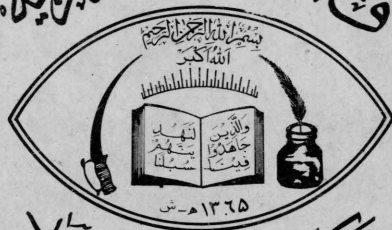


دانشگاه اسلامی افغانستان
وزارت تعلیم و تربیه



مرکز تعلیمی افغانستان

مدرسه تخصصی

دری و ریاضی

برای صنف سوم

مرتب دری: عبدالواحد (فارسی) مؤلف ریاضی: شاه محمد



دری

برای صنف سوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا
قال صلى الله عليه وسلم:
فمروده است حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم،

رضیت
راضی ہستم

بِاللَّهِ رَبِّاَوْ
کر اللہ پروردگار ما است و

بِالْإِسْلَامِ دِينَاَوْ
اسلام دین ما است و

بِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَرَسُولًا
محمد صلی الله علیه وسلم نبی و رسول ما است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ الْكَرِيمِ
 يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ
 جز (۲۸) سوره مجادله آیه (۱)

ترجمه: خداوند (ج) بلند میسازد درجات ایمان داران را از شما و کسانی را که به ایشان دانش روزی گردانیده است.

از فحواى آیه کریمه استنباط میشود که هیچ نوع کیفیات حسنه بر جسته و بالاتر از علم و دانش وجود ندارد. اهمیت تعلیم و تربیه در دین مقدس اسلام بحدی است که اولین کلمات وحی سماوی (اقراب اسم ربک الذی خلق) میباشد. باین اساس موضوع پرورش روحی و تربیت فکری اسلامی، اقتصاد، سیاست، عبادات، اخلاقیات و حقوق بشری در لابلای تعلیم و تربیه قرآنی موضوعاتیست که در راس همه مسائل قرار میگیرد.

ما ربروان راه وحدانیت در دشوارترین شرایط هجرت زمینه و امکانات آموزش اسلامی را بلطف خداوند (ج) طوری مساعد خواهیم ساخت که در راه حصول رضای رب الارباب هیچ نوع قدرتی در مقابل تصمیم و اراده مقدس و خلل ناپذیر و فولادین ماسد شده نخواهد توانست. تمام اعمال و حشیانه و غیر انسانی کمونیزم بی هدف از قبیل قتل عام، زنده به گور کردن چور و چپاول به آتش کشیدن مزارع و خانه ها تخریب و انهدام مساجد شریف مدارس و اماکن مقدسه استعمال گازات سمی و پروپاگند های شباروزی در مملکت عزیز ما افغانستان فقط و فقط علل تأخیر در تعمیم تصمیم گیریهای ماست و بس.

ملت مسلمان افغانستان که متمسکین حبل المتین و متعهدین کلام ربانیست
 برای خشم انرجارشان.

هنوز هم متلاطم گردیده و بتأسی از دستورات رب العزت که ارشاد فرموده (وجاهدو فی الله حق جهاده آیه ۷۸ <سوره حج) یعنی جهاد کنید برای خداوند (ج) طوریکه شایسته اوست . جهاد حق علیه باطل را در پرتو ارشادات عالی تعالیم اسلام ادامه دهیم و مشعل فروزان دانش اسلامی را در مسله جهاد علمی و مسلحانه تقویه نماییم .

هموطنان عزیز شما مسبوق هستید که شاگردان عرفان اسلام از دو نوع کتب مربوط دو اتحاد اسلامی قبلی مستفید بودند رهبران محترم تمام تنظیم ها به منظور جلوگیری از تشتت افکار فرزندان مجاهدین علم دوست و سربکف افغانستان درین او اخر به مسئولین تعلیم و تربیه مربوطه خود صلاحیت و هدایت دادند تا از تمام مضامین و علوم شامل نصاب تعلیمی برای صنوف مختلف یک نوع کتب طبع و به دسترس فرزندان مجاهدین و مهاجرین قرار بدهند که از نظر محتوا و مفهوم به دین مقدس اسلام شریعت غزای محمدی و مذهب مذهب حنفی مغایرت نداشته و مورد قبول تمام اقشار ، جهاد و مهاجر مسلمان افغانستان عزیز باشد .

به این اساس شورای عالی هم آهنگی تعلیم و تربیه تشکیل گردید و مورد تأیید همه رهبران محترم قرار گرفت .

شورای عالی هم آهنگی تعلیم و تربیه مذکور اداره مرکز تعلیمی افغانستان را تأسیس نموده که دارای شعبات ذیل (مدیریت نصاب تعلیمی، مدیریت تدریسی و نظارات، مدیریت پلان، و ارتباط خارجی، مدیریت اجرئیه، مدیریت مالی، مدیریت تربیه معلم، و مدیریت سواد آموزی) میباشد .

منسویین این مرکز را متخصصین تعلیم و تربیه و اشخاص مجرب از تمام تنظیم های جهادی تشکیل میدهد که مجدانه و متحدانه در مورد پیاده کردن تعلیم و تربیه اسلامی و توحید نمودن نصاب تعلیمی سعی و مجاهدت

بی شائبه مینمایند

بعد از بحث و مشوره متخصصین نصاب تعلیمی در مورد تهیه کتب درسی مضامین مختلفه به این نتیجه رسیدند که نظر به شرایط دشوار جهادی و عدم وقت کافی کتب درسی مضامین مختلفه دو اتحاد اسلامی را که قبلا طرف استفاده بود باهم مقایسه و مطالب اهم آنرا با در نظر داشت دشواری قید زمان تدریس در عالم مجاهدت و مهاجرت انتخاب نمایند.

لذا مدیریت نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان مسرت دارد که موقع یافت تا تمام کتب مضامین مختلفه درسی تنظیم های جهادی را که از طریق نصابهای تعلیمی مختلفه طبع شده بود مقایسه نمود. مطالب و عناوینی را که از نقطه نظر سطح دانش فهم شاگردان و شرایط جهادی از نگاه تعلیم و تربیت سهل تر و آموزنده تر بود انتخاب و در معرض چاپ قرار داد.

السلام مع الاکرام

مدیریت نصاب تعلیمی اداره مرکز تعلیمی افغانستان

تدبیر یا پلان، درسی

- ۱- معلم صاحب وقتی که در حال صنف می‌گردد «سلام علیکم» بگوید .
- ۲- معلم صاحب با گفتن «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ط» فعالیت‌های درسی خود را آغاز نماید .
- ۳- معلم صاحب با شاگردان احوال‌پرسی نماید .
- ۴- پیش از سرگذشته و ملاحظه کارهای خانگی .
- ۵- توبیخ نمودن انگیزه توسط قصه‌ای که مربوط درس باشد . و یا نشان دادن چارت تیشیه که معرف موضوع باشد .
- ۶- نوشتن درس جدید بالای تخته سیاه .
- ۷- نوشتن عنوان درس جدید بجز درشت بالای تخته سیاه .
- ۸- خواندن درس از روی تخته سیاه با آواز ذریعیه معلم .
- ۹- خواندن و تلفظ نمودن کلمات و جملات از روی تخته سیاه ذریعیه شاگردان .
- ۱۰- خواندن درس از روی کتاب .
- ۱۱- خواندن خاموش از روی کتاب ذریعیه شاگردان .
- ۱۲- حل مشکلات درس جدید کلمات و جملات مختلف .

۱۳- نوشتن جملات و کلمات بالای تخت سیاه توسط شاگردان .

۱۴- ارزیابی درس جدید توسط معلم .

۱۵- دادن وظیفه خانگی بقیه روان شاگردان .

۱۶- در صورت مساعدت وقت جهت رفع خستگی شاگردان شعارهای اسلامی را بیک آواز بالای شاگردان خواندن .

نویس : - اگر کاغذ و تخت فلین پیدا شود ، کلمات و جملات مغلق جدید بروی فلش کارت ؛ و کارت توسط معلم صاحب نشان داده شود ، که البته این عمل در قسمت آموزشش شال نقش مهم دارد . معلم مواد درسی را از محیط زیست شاگردان بدست آورده استفاده نماید .

و اسلام

حمد

شکر گویم بر خدای مهربان
 آنکه ما را جسم جهان بخشید است
 کرده نازل هر زمان پیغمبری
 ساخت ما را از عطای بیکران
 نام پاک او محمد مصطفی
 بهترین چیزیکه پیر ما گذاشت
 باد بروم از خداوند ودود

آنکه باشد خالق کون و مکان
 قوه نطق و بیان بخشید است
 تا که باشد مردمان را رهبری
 امت پیغمبر آخر زمان
 هست بیشک بهترین انبیا
 رهنما و رهبر قرآن گذاشت
 برومی و بر آں و اصحابش درود

معنی	لغات	معنی	لغات
بخشش	عطا	آفریدگا	خالق
پیغمبران	انبیا	سخن گفتن	نطق

نعت

محمد شهبانیا ورسول . که در بندگی او بود به زکلی .
بیا ورده بر پام خدا . دگر سنت خود نخاده بجا
بیا موخت بر ماره بندگی . رهانید ما از شه مندیگی
جهادی که بر ما گذاشت از کرم . نجات همه مؤمنان شد زغم
دمادم زما این درود و نیاز . شب و روز در پنج وقت نماز

به آل و به اصحاب او اجمعین

رسانی خدایا تو یا یوم دین

حضرت محمد صلی الله علیه و سلم

پیامبر ما است .

نام پدرشان عبدالله و نام

مادرشان بی بی آمنه

بود .

در دوازدهم ربیع الاول در شهر

مکه معظمه تولد شدند .

هنوز بدنیانیامده بودند که پدرشان عبدالله فوت نمود .

بی بی آمنه تقریباً تا سن شش سالگی حضرت محمد صلی الله علیه و سلم

حیات داشت . بعد از وفات بی بی آمنه . عبدالمطلب ،

پرکاران حضرت محمد صلی الله علیه و سلم از او کاملاً پرستی

میکرد .

عبدالمطلب حضرت محمد صلی الله علیه و سلم را خیلی دوست میداشت ،

و با او مهربانی میکرد .
حضرت محمد علی علیه السلام از کودکی با هوش و با آداب بودند .
از طفلی با مردم به اخلاص و صداقت پیش آمد می نمودند ، و در
امانتداری مشهور بوده ، مردم امانت خود را با ایشان می سپردند .
از نرزه همه ایشان را این می گفتند . هیچ گاه دروغ از محمد علی علیه السلام
شنیده نشده و کار زشت و ناپسندی را انجام نداده .
اند .

هیچ وقت با صدای بلند نمی خندیدند ، بلکه در وقت خوشی
بتسم می نمودند ، با کودکان مهربان بودند ، و برگزیده کسی دشمن
نمی دادند ، و با همه مردم پیش آدینک می نمودند .

معنی	لغات	معنی	لغات
بدوناپسند	۳- زشت	ماه سوم از ماه های قمری است	۱- ربیع الاول
بدگویی	۴- دشنام	امانت دار و راسخ	۲- امین

سوالات

فکر کنید و جواب دهید .

۱- حضرت محمد در کجا بدنیا آمدند ؟

۲- نام پدر و مادر حضرت محمد چه بود ؟

۳- حضرت محمد چند ساله بودند که مادرشان فوت نمود ؟

۴- حضرت محمد در کودکی چگونه خوی و عادت داشتند ؟

۵- مردم کدام لقب ایشان را یاد میکردند ؟

شاگردان مطلب عنوان فوق را به خانواده های شاخ قصه و لهه بفرمایند .

حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ

حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ از جملہ یاران و دوستان شجاع

حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم بودند .

اولین شخصیکه از مردان پیغمبری حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم را تصدیق نموده ایمان آوردند ، حضرت ابوبکر صدیق میباشد ، او در راه اسلام همه مال و دارائی خود بمصرف رسانیدند و به وقت مطابق دستور خدا جل جلاله و رسولش صلی اللہ علیہ وسلم رفتار می نمودند .
و با همه مسلمانان رویه نیک و خلق خوش داشتند .

حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ در وقت هجرت از مکه معظمه بسوی مدینه منوره با حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم رفیق راه بودند .
چون حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ در تمام زندگی خود گفتار و کردار حضرت

محمد صلی اللہ علیہ وسلم را بدون دلیل تصدیق میکردند و از آن پیروی -
می نمودند ، از آن جهت حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم ایشان را به
لقب صدیق یاد کرده اند که هنوز هم بان لقب یاد میشوند . و بعد
از رحلت حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم مسلمانان حضرت ابو بکر -
صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ را به حیث خلیفہ و جانشین حضرت پیغمبر
صلی اللہ علیہ وسلم انتخاب نمودند .

در زمان خلافت حضرت ابو بکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ دین

مقدس اسلام به بسیار جاهلی دور رسیده بود .

و کاینکه در بین مسلمانان فتنه و فساد پیدامی کردند ، همه توسط

مجاہدین راه اسلام از بین برده میشدند . و همه مسلمانان باری

رسانیدن دین پاک اسلام به تمام جهان شروع بکار نمودند .

در وقت خلافت حضرت ابو بکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ مسلمانان

معلم صاحب به شاگردان بفرماند که مراد فتنه و فساد شرک و کفر میباشد .

ہمہ باہم دوست و مہربان بودند، و مانند اعضا، یک فامیل - بدون اختلاف باہم زندگی میکردند .

حضرت ابو بکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ بعد از دو سال و شش ماہ خلافت از جهان رحلت نمودند و در مدینہ منورہ در جوار مرقہ حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم بہ خاک سپردہ شدند .

معنی	لغات	معنی	لغات
بسیار دلاور	۵- شجاع ÷	۱- رحلت ÷ کوچ کردن، واز جهان رفتن	
اختلاف جنگ	۶- فتنہ ÷	۲- صدیق ÷ بسیار راستگو	
پہلو	۷- جوار ÷	۳- رضی اللہ تعالیٰ عنہ ÷ راضی باشد خداوند عزوجل از او	
		۴- مرقہ ÷ قبر	

سوالات

۱۔ حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ کی بود ؟

۲۔ اولین مردی کہ بہ حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم ایمان آورد کی بود ؟

۳۔ حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ بعد از چند سال خلافت رحلت نمود ؟

۴۔ حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ اور کجا بنجاک سپرده شدند ؟

معلم صاحب گزارشات حیاتی حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ از زبان بسیار ساده بت گروان بیان کند .

حضرت عمر فاروق رضی اللہ تعالیٰ عنہ

حضرت عمر رضی اللہ تعالیٰ عنہ پسر خطاب و یار دوم حضرت محمد
صلی اللہ علیہ وسلم بودند و بعد از رحلت حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ
به خلافت رسیدند .

چون حضرت عمر رضی اللہ تعالیٰ عنہ همه وقت حق و باطل را از هم فرق
میکردند ، بنام حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم لقب شان را فاروق
گذاشتند .

حضرت عمر رضی اللہ تعالیٰ عنہ در زمان خلافت شان با همه مردم آزاد
صحبت میکردند ، و هر کس که آرزوی دیدن میداشت باسانی
ایشان را دیده میتوانست . خانه و منزل ، لباس و خوراک شان

از دیگران برتر نبود . و همیشه از طرف شب بخانه ما کوچه ما میرفتند ، تا
از احوال مردم با خبر شوند و مشکلاتی که داشته باشند حل نمایند .

در زمان حضرت عمر رضی الله تعالی عنہ ایران ، شام

و مصر فتح و مردمان این سرزمین ما به دین اسلام مشرف

شدند . و ایلیان و ماموریسی که از طرف خلیفه مسلمین حضرت

عمر رضی الله تعالی عنہ ، به هر جا مقرر می شدند با مردم بسیار دوستانه

و برادرانه رفتار می نمودند . مال کسی را نمی گرفتند و همه وقت

در خدمت مردم بودند .

در زمان خلافت شان عدالت کامل برقرار بود که تا

امروز جهان اسلام به عدالت شان افتخار دارد . بعد از ده سال

و شش ماه خلافت از طرف یک شخص منافق بنام ابولول ، لوبول ، بعم

۶۳ سالگی در وقت نماز صبح به شهادت رسیدند .

لغات معنی

- | | |
|-----------|---------------------|
| ۱- فاروق | ۛ فرق کننده |
| ۲- عدالت | ۛ انصاف و داد |
| ۳- لقب | ۛ نام صفتی |
| ۴- افتخار | ۛ فخر کردن و بالیدن |
| ۵- خلیفہ | ۛ جانشین |

پرستشها

- ۱- حضرت عمر رضی اللہ تعالیٰ عنہ یا رچندم حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم بود ؟
- ۲- حضرت عمر رضی اللہ تعالیٰ عنہ را فاروق چرا میگویند ؟
- ۳- رویہ حضرت عمر رضی اللہ تعالیٰ عنہ با مردم چگونه بود ؟
- ۴- ممالکیکہ در زمان خلافت حضرت عمر صاحب فتح شدہ کدامہا اند ؟

شاگردان درس فوق را بہ دوستان و اقارب خود بجا اندوز موضوعات مہم را حفظ کنند .

حضرت عثمان رضی اللہ تعالیٰ عنہ

خلیفہ سوم مسلمانان حضرت عثمان رضی اللہ تعالیٰ عنہ اند ،

و آم پدرشان عفان بود .

حضرت عثمان رضی اللہ تعالیٰ عنہ صاحب اخلاق نیکو و بسیار حلیم باجیا بودند ، در تمام حیات خود سخن بد به کسی نگفته و در زمان خلافت شان قرآن کریم به صورت صحیح ترتیب و بهر جا فرستاده شد ، از آن سبب ایشان را جامع القرآن می نامند .

حضرت عثمان رضی اللہ تعالیٰ عنہ صاحب سخاوت بودند که دارائی خود را در راه اسلام مصرف کرده اند . و بعد از دوازده و نیم سال خلافت

در حالت تلاوت قرآن کریم پیشهادت رسیدند .

لغات معنی

- ۱- حلیم ؛ نرم خوی و بردبار
۲- سخاوت ؛ بخشش کردن

فکر کنید جواب بگوئید .

- ۱- حضرت عثمان رضی الله عنه بعد از کی خلیفه شدند و نام پدرشان چی بود ؟
۲- صفت بزرگی که حضرت عثمان رضی الله عنه داشتند کدام است ؟
۳- حضرت عثمان رضی الله عنه رابع به قرآن کریم چگونه فعالیت نموده اند ؟
۴- حضرت عثمان رضی الله عنه چند سال خلیفه مسلمانان بودند ؟

پایان حضرت عثمان فراراش کردان در کتابهای خود تحریر نموده ، خواص و مفهومات آنرا حفظ نمایند .

حضرت علی رضی اللہ تعالیٰ عنہ

حضرت علی رضی اللہ تعالیٰ عنہ، پسر کا کای حضرت محمد ﷺ

بودند .

اسم پدرشان ابوطالب بود ، و بعد از شهادت حضرت

عثمان رضی اللہ تعالیٰ عنہ ، به خلافت مسلمین انتخاب شدند .

از طفلی تحت تربیت حضرت پیغمبر ﷺ بودند .

حضرت علی رضی اللہ تعالیٰ عنہ تقریباً ده ساله بودند که به دین اسلام

مشفق شدند ، حضرت شان در جبهه باکفار خیلی جنگهای شدید

نموده اند که به اثر دلاوری و غیرت شان حضرت پیغمبر ﷺ اورا به

لقب اسد اللہ شیر خدا، یاد میگردند .

حضرت علی رضی اللہ تعالیٰ عنہ بعد از شش سال خلافت به عمر ۶۳،
شصت و سه سالگی از دست عبدالرحمن ابن ملجم به شہادت
رسیدند .

معنی

لغات

- | | | |
|----------------------|---|------------|
| مقرر شدن از طرف مردم | ❖ | ۱- انتخاب |
| بسیار دلاور | ❖ | ۲- شجاع |
| باقت | ❖ | ۳- نیرومند |
| عزت و شرف یافتن | ❖ | ۴- مشرف |

لغات معنی

۵- مرقد : قبر

۶-

۷- عام : تمام مردم

پرسشها

۱- حضرت علی رضی الله تعالی عنه با حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم چه قرابت داشتند؟

۲- حضرت علی رضی الله تعالی عنه در کدام وقت بدین اسلام مشرف شدند؟

۳- حضرت علی رضی الله تعالی عنه را به لقب شیر خدا چه ایاد می کردند؟

۴- حضرت علی رضی الله تعالی عنه بعد از چند سال خلافت و به عمر چند

سالگی جام شهادت نوشیدند؟

ای دوست ترزجانم

استاد مهربانم ، ای دوست ترزجانم
باشم به خدمت تو، تا زنده در جهانم
بالطف و مهربانی، با صد شیرین زبانی
الفاظ خوب و دلکش، بنهادی زبانه
از راه دین یزدان، از احمد و زقرآن
درسی که دادی بر من ، با ذوق دل نخوانم
تاریک بود دماغم ، خاموش بود چراغم
از نور دانش تو ، روشن شد روانم

من زارخسته بودم ، با جهل بسته بودم

خود را ز فیض علمت ، از جهل می رانم

فرموده اند بزرگان ، از دین پاک سبحان

حق تو برتر آمد ، از جمله دوستانم

از لطف و شفقت تو ، از کیف صحبت تو

زیبا و دلنشین است ، بهار و بهم خزانم

و ایم به احترامت ، خواهم بلند نامت

برتر کن مقامت ، مولای مهربانم

معلم صاحب مقام بزرگ استادان را با شکر و ان تلقین کند که ، اولین خدای مآثرش مانند پادشاه
فروزی است استادان با عقیده و مصلحتین مسلمان میباشند .

فضیلت انسان

انسانها از يك پدر و مادر پيدا شده اند، كه پدر انسان ها
حضرت آدم عليه السلام و مادرشان حضرت بي بي حوا^{علیها السلام} بود .
خداوند جلالة انسا از نسبت به همه مخلوقات كه در آسمانها
و زمين ميباشند ، و يا چيزهاييكه از ديدن آنها عاجز است هم بهتر و
زيادتر و داناتر آفريده است ، و آفتاب و مهتاب و آسمان و زمين
و همه چيزها را بخدمت انسان گذاشته است .
علاوه بر اينكه اعضا و قومي به ماد داده است ، قوه بزرگ ديگري
كه عبارت از عقل است براي آنها عطا نموده است . كه تا

بواسطه آن انسان خدا را بشناسد، حتی از باطل فرقی نماید، و
اشرف مخلوقات باشد و حیات آبرومندی در دنیا و آخرت
پیدا کند.

پس انسانیکه از نعمت بزرگ عقل کارگرفته اطاعت خداوند عزوجل
و پیغمبر را میکند. البته وظیفه انسانی و اسلامی اش را بجا آورده است.
و انسانیکه با وجود عقل و دانش خدا را قبول نمی کند و از پیشوای
بزرگ خود حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیروی نمی کند، از جمله کفر امان و
کافران حساب می شود.

ببر باد و مه و خورشید و فلک در کار اند
تا توانی کلف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار
 شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

معنی	لغات
برتری	۱- فضیلت
بزرگ است بزرگی خداوند	۲- جَلَّ جَلَالًا
بخشش	۲- عطا
جمع مخلوق	۴- مخلوقات
شریفتر	۵- اشرف
مہتاب	۶- مہ
آفتاب	۷- خورشید

معلم صحیح بر شاگردان دااجع به فضیلت انسان معلومات کافی بدهد.

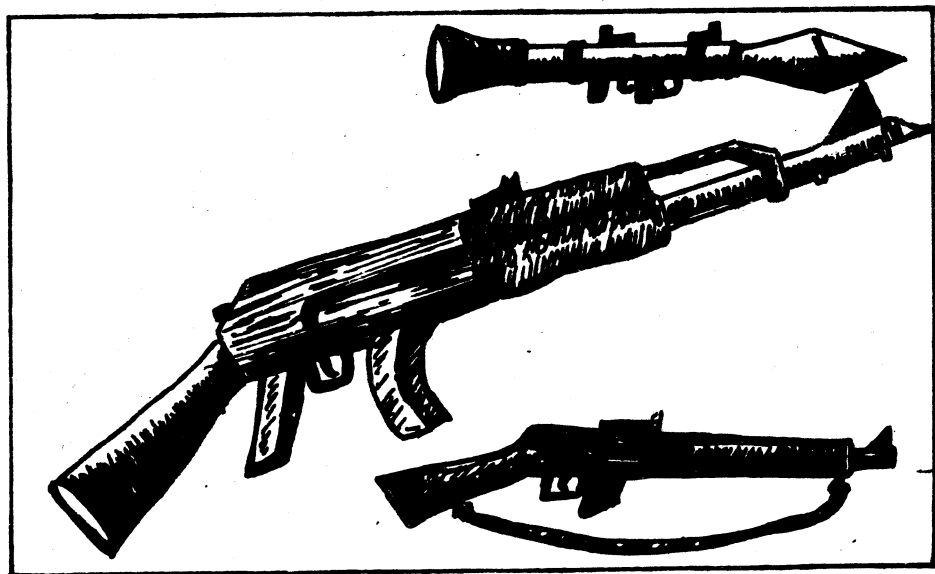
به سوالات جواب دهید :

- ۱- حضرت آدم علیه السلام و بی بی حوا کی بودند؟
- ۲- انسان و دیگر مخلوقات از هم چه فرق دارند؟
- ۳- وظیفه اولی انسان چیست؟
- ۴- آفتاب و مهتاب، ابرو باد و غیره چیزها برای چه پیداشده اند؟

معلم صاحبترم وظیفه اصلی و اصلی انسان را بشنودن خداوند تعالی است .

جهاد

اکثر اوقات درین انسان با قسم جنگ و مخالفت با
بمیان می آید که با اثر آن خسارات مالی و جانی بانها پیدا
میشود. اگر این جنگ با وجدل با درین مردم بخاطر قوم، وطن،
منطقه و یا به سبب اختلاف زبان بوجود آمده باشد، و برای ترقی



و پیشرفت اسلام نباشد جهاد گفته نمیشود .

جهاد آن قسم جنگ و سربازی، جهد و کوشش را

میکویند که مسلمانان بسام خداوند تبارک و تعالی و برای آزادی مسلمانان

و سرزمین اسلام به مقابل دشمنان اسلام بجنگند . در صورت تجاوز

کفار بالای مسلمانان جهاد بر هر فرد مسلمان فرض است .

و هیچ عمل نیکو به اجر و ثواب جهاد برابری کرده نمیتواند .

پس کسیکه به منظور بدست آوردن رضای خداوند تبارک و تعالی و برای

بلند کردن پیرق حق و از بین بردن باطل از جان و مال خود دریغ نمیکند،

مجاهد واقعی گفته میشود .

و اگر کسی به خاطر بدست آوردن منصب، چوکی و یا مال غنیمت دیا

شهرت طلبی جنگ میکند ، از اجر و ثواب جهاد محروم بوده ، مجاهد
گفته نمیشود .

معنی	لغات
جهاد و کوشش کردن در راه اسلام	۱- جهاد
برضای	۲- مخالفت
ضرباً	۳- خسارت
ثواب	۴- اجر

- ۱- آیا جنگ ، جدال ، نیکو بنام مال و زمین و غیره در بین مردم پیدا میشود جهاد گفته میشود ؟
- ۲- مجاهد واقعی کدام شخص را گویند ؟
- ۳- جهاد برای مسلمانان چیست ؟

شگردان راجع به جهاد مسلمانان افغانستان تا در بین شان مذاکره نمایند .

شجاعت اطفال مسلمان

غزوه بدر در تاریخ مسلمانان بسیار شهرت دارد که در سال

دوم هجرت در هفدهم ماه مبارک رمضان این جنگ واقع گردید .

درین جنگ علاوه از دیگر دشمنان اسلام ، ابو جهل نیز کشته شد .

از عبد الرحمن رضی الله تعالی عنه بن عوف نقل شده است که درین جنگ دو پسر را

بنام های معاذ و معوذ دیدم با خود گفتم : که این اطفال در میدان جنگ

چه میکنند ؟ آیا میتوانند با کفار جنگ کنند ؟

درین وقت اطفال بمن نزدیک شده پرسیدند ، کاکا جان ابو جهل را

می شناسی ؟

گفتم بلی ! می شناسم چه می گوید ؟ گفتند : ما شنیده ایم که

ابو جہل پہ پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم سخن بد می زند .

قسم بآن خداوند بزرگ کہ زندگی و مرگ ما بدست اوست اگر ابو جہل
را بسینم تا اور انکشم آرام نمی گیریم . من از غیرت این اطفال حیران
شدم . درین وقت دفعتاً ابو جہل با سواری اسپ در میدان داخل
شد . من باین بچہ ہا اشارہ نمودم کہ آنست ابو جہل . در حال ہر دو
بچہ ہا شمشیر ہای خود را گرفتہ بہ ابو جہل حملہ نمودند و او را از اسپ بہ
زمین زدہ با ضرب شمشیر ہا کشت کردند .

شاگردان عزیز ! دیدید کہ بچہ ہای مسلمان در راہ اسلام چطور
ایثار و قربانی ہا بکار بردہ اند ، کہ اسم شان در تاریخ اسلام بہ نیکی یاد میشود .

معنی

لغات

- ۱- غزوه . جنگی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله خود در آن بودند .
- ۲- بدر . جای که درین مکّه معظمه ویدین منوره واقع است .
-

جملات ذیل را تکمیل نمائید .

- ۱- غزوه بدر دارد .
- ۲- درین جنگ کشته شد .
- ۳-
-

معلم صاحب بزبان بسیار ساده موضوع درس ابش گردان هفت کند .

اخلاق اسلامی

اخلاق اسلامی پیروی از تمام قوانین اسلامی میباشد .
خداوند جل جلاله حضرت سرور کائنات محمد صلی الله علیه و آله را در قرآن کریم
به داشتن خلق نیکو صفت کرده است .

پس باید هر فرد مسلمان اخلاق اسلامی داشته باشد به همه برادران
مسلمانان مهربان باشد .

اخلاق نیک انسان را از غیبت ، لهو و لعب و کارهای بیپرو
جلوگیری می نماید . کسانیکه دارای اخلاق اسلامی هستند همیشه
راستکار ، با حوصله ، شجاع و مهربان میباشند ، چنانکه منافقین
و گمراهان در سر راه حضرت محمد صلی الله علیه و آله خار و خشک میسازند ، و

سبب آزارشان میشوند، اما حضرت محمد در باره آنها با جود کامل گذشت
بخداوند عز و جل دعا می نمودند که: خدایا! قوم مرا هدایت کن که آنها
نمی دانند. یعنی کسی دعای بد نمی کردند. از همین رویه و
اخلاق نیک شان بود که کفار دسته دسته به نزدشان می آمدند و
به سخنان شان گوش میدادند و مسلمان میشدند، چنانچه گفته اند
«خلق خوش خلق را شکار کند»

پس ما مسلمانان اگر اخلاق نیکو داشته باشیم و با همه مردم
پیش آمد اسلامی نایم، خداوند عز و جل و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و همه
مردم از ما خوش و راضی میباشند.

لغات

معنی

- | | | |
|---|---|--------------|
| سرور و پیشوا | + | ۱- سرور |
| موجودات | + | ۲- کائنات |
| کارهای بهبودی و بی فایده | + | ۳- لهو و لعب |
| غیرت مند | + | ۴- شجاع |
| کسیکه در زبان مسلمان و در دل کافر باشد. | + | ۵- منافق |
| راه نمائی | + | ۶- هدایت |

پرسشها

- ۱- حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم با مردم چه قسم رویه داشتند ؟
- ۲- ما باید با مردم چگونه رفتار داشته باشیم ؟
- ۳- کفار چه اوسته گسته می آمدند و مسلمان میشدند ؟

معلم صاحب از رویه و اخلاق مشگردان در خانه و مسجد پرسان بعل آید و تقاییر اخلاقی مشن اصلاح نماید .

مقام شهید

کسانیکه در راه خداوند ج جانهای عزیز خود را فدا میسازند شهید گفته می شوند. اجر و ثواب زیادی را به نزد خداوند ج کفایتی میکنند. خداوند ج در قرآن کریم می فرماید :

کسانیکه در راه خداوند ج کشته میشوند مگر گویند که مرده اند بلکه آنها زنده هستند، مگر شما نمیدانید.

کسانیکه در راه خداوند شهید میشوند فضیلت های ذیل نصیبشان میشود:

- ۱- شهید تکلیف مرگ را که بسیار مشکل و سخت است نمی فهمد.

- ۲- گناهای شهید از طرف خداوند بخشیده میشود.

- ۳- شهید مقام و مرتبه ای که خداوند ج در جنت برایش می بخشد،

در وقت شهادت می بیند .

- ۴- شهید از عذاب قبر خلاص می باشد .

- ۵- شهید از بهول و ترس که برای مردم در روز قیامت پیدا می شود، در امان می باشد .
- ۶- زود قیامت سپر شهید یک تاجی است که یک دنیا قوت آن از همه چیزهای دنیا بهتر می باشد .
- ۷- شهید همقد و نفر از اقا رب خود را شفاعت کرده می تواند .

معنی	لغات
کس نیکه در راه خداوند گذشته شده باشند	۱- شهید
برتری	۲- فضیلت
و بهم و ترس	۳- بهول
خواهش کردن و عذر خواهی	۴- شفاعت

جملات ذیل را در کتابچه های خود تکرار بنویسید .

- ۱- کسانیکه شهید میشوند ، گناهان شان از طرف خداوند بخشیده میشود .
 - ۲- روز قیامت بر سر شهید تاجی است که یکدانه با قوت آن از همه چیزهای دنیا بهتر میباشد .
 - ۳- شهید هفتاد نفر از اقارب خود را شفاعت میتواند .
-

شاگردان مقام و عزت شهید را برای هر کس معرفی نمایند .

ترحم بر حیوانات

رحم و دلسوزی یک صفت مهم و ضروری اسلامی است لذا

بر هر فرد مسلمان لازم است که دلسوز و مهربان باشد .
چنانچه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و یاران صادق شان همه با رحم و
باشفقت بودند . حتی با حیوانات دلسوزی و ترحم داشتند ،
و هیچگاه سبب آزار انسان و حیوان نشده اند .

زیرا ترحم و دلسوزی با انسانها و حیوانات غیر منسوب رضایت
خداوند ^{چنانچه} میگردد .

چنانچه حکایت است : که شخصی از راهی میگذشت ، سگی
را دید که از تشنگی بسیار با نغسهای آخرین براه افتاده بود ، شخص
مذکور که بسیار کنهکار هم بود دستار خود را از سر گرفته با کلاه خود میت
و در چاه پایان کرد . باین وسیله آب از چاه کشیده سگ تشنه را

سیراب نموده از مرگ نجاتش داد .

پس حضرت پیغمبر ﷺ از حال این شخص به یاران شان خبر دادند، که خداوند جل و علاه به سبب این دلسوزی اش بر سنگ ناتوان تمام گناهان آن شخص را بخشید و مقام جنت بابریش بخشش فرمود .

پس وقتی که نیکی و دلسوزی بیک سنگ اجر بزرگی داشته باشد که گناهان انسان بخشیده شود البتہ رحم و شفقت به انسان خصوصاً به مسلمانان ثواب و پاداشش زیاد دارد .

ترجمہ حکایت از نظم بوستان .

معنی	لغات	معنی	لغات
مهربانی	۳- شفقت	۱- ترمیم	رحم کردن
عوض	۴- پاداش	۲- صادق	راستکار

۵ - عظیم و بزرگ

به سوالات جواب دهید

- ۱ - آیا رحم و دلسوزی بر حیوانات هم لازم است ؟
- ۲ - قصه شخص گنهگار و گنا تووان را به برادران خود حکایت کنید .
- ۳ - حضرت محمد صلی الله علیه و آله و صحابه وسلم از آب دادن آن شخص رگت شده را به یارانشان چگونه خبر دادند ؟

بناب معلم صاحب بی رحمی مردم را بمقابل حیوانات به آورنده شاگردان را به دلسوزی و شفقت تشویق کند .

نتیجہ غفلت

روزی خرگوشی با سنگ لشتی در دیدن سابقه نمودند.
و فاصله دیدن را تا سه کوهی که در آنجا بود قرار دادند تا کدام
یکی پیشتر بر سر کوه میرسد و سابقه را میرسد.

خرگوش با خود گفت که: من بسیار تیز و چالاک و سبک

اندام هستم، هر وقتیکه خواسته باشم از سنگ پشت پیش میروم.
بنا بر خواب رفت و آرام گرفت اما سنگ پشت با خود فکر کرد،

که من نسبت به خرگوش ناتوانم جسم من ثقیل و پابای من کوتاه
است پس چاره آنست که ساعتی آرام نباشم و محطه

غفلت نکشم. از نیرود در رفتار خود سستی نمیکرد و به جانب مطلوب

می دوید تا اینکه پیش از خرگوش بالای کوه رسید و به مرام
خود کامیاب شد.

وقتی که خرگوش از خواب بیدار شد دید که سنگلشت بیشتر
از آن به سر کوه رسیده است پریشان شد و از غفلت خود
ندامت ما میکرد و افسوس میخورد اما فایده نداشت.

معنی	لغات
بی پروائی	۱- غفلت
پیشی گرفتن	۲- سابقه
پشیمانی	۳- ندامت

- ۱ - از غفلت « بنی پروائی » چه نتیجه حاصل میشود ؟
- ۲ - خرگوش چرا در مسابقه از سگ پشت پس مانده ؟
- ۳ - سگ پشت با اینکه حیوان ناتوان است چگونه چطور توانست که در مسابقه دویدن کامیاب شود ؟
- ۴ - خرگوش چرا افسوس میکند و پشیمان حال شده بود ؟
- ۵ - پشیمانی خرگوش که ام فایده داشت یمانی ؟

معلم صاحب مظلوم بقدر ایش گردان تفهیم و نیجه اش را به غفلت شاگردان تطبیق نماید .

نظافت

نظافت پاکی را گویند و یکی از صفات بزرگ اسلامی
است. چنانچه خداوند تعالی فرماید :
«دوست دارد خداوند توبه کنندگان و پاکان را، همچنان در
حدیث شریف و نظافت خیرایمان، گفته شده
است .

برای هر انسان ضرور است که بدن و لباس و جای -
سکونت را پاک نگاه دارد که مراعات نمودن نظافت سبب ،
خوشنودی خداوند تعالی گردیده و صحت سالم نصیب انسان
میکردد . پس بر ما مسلمانان لازم است که هفته دو و یا یک
مرتبه با آب و صابون جسم خود را بشوئیم ، ناخن های خود را
قطع نماییم .

اگر بدن ما چرک باشد سوراخ های که در پوست بدن ما وجود دارد، توسط عرق بند شده و سبب مرضی ما میشود .
پس چنان اگر ناخن های خود را قطع نکنیم در زیر ناخن های ما
مکروب جای میگیرد . و وقتی که غذای خوریم آن مکروب ها
داخل معده ما گردیده و سبب امراض مختلف در وجود ما میگردد
و هم لباس های که میپوشیم باید نظیف و پاک باشد .
اگر لباس ما چرک باشد ، بوی بد میدهد و مردم از ما دوری
میکند .

پس بر ما لازم است تا در همه امور زندگی نظافت را مد نظر
داشته لباس ، بدن و لوازم بدن و سامان خانه و غیره را
پاک نگه داریم کنیم تا از یک طرف صحت مند و از جانب دیگر در بین مردم بد
معلوم نشویم .

لغات معنی

پاکی	+	۱- نظافت
پاک	+	۲- نظیف
خوشی	+	۲- خوشنودی
صحت مند	+	۴- سالم

وقت کنید و پاسخ دهید .

۱- نظافت را تعریف کنید ؟

۲- نظافت چه فایده ما دارد ؟

۳- اگر ناخن های خود را قطع نکنیم چه میشود ؟

۴- اگر بدن و لباس ما چرک باشد چه نقص دارد ؟

معلم صاحب خوبی های نظافت را بهت گردان فهمانده به پاکی لباس بدن و دست تشویق نماید .

خرس قطبی و روباه

روزی یک خرس قطبی که بسیار تشنه بود و آرزوی آب نامی
گرم و خوش مزه را داشت بسیار تلاش بر طرف می دوید
نگاه بالایی چاه آب رسید و دید که در چقوری چاه یک
اندازه آب موجود است .

خرس بی تمیز بدون فکر کردن در چاه پائین شده و مقدار
زیاد آب نوشید . وقتی که سیراب شد خواست از چاه بیرون شود
مگر نتوانست .

درینوقت روباهی از حال او خبر شده بر سر چاه آمد . خرس چون
به یک کمک کننده شدید ضرورت داشت از روباه خواست
تا او را نجات دهد .

رواه گفت : ای خرس بی عقل ، درین کار خود خطای بسیار
 بزرگی کرده ای . باید با من قبل از پائین شدن در چاه مشورت
 میکردی ، و یا اینکه برآمدت را پیش از داخل شدن فکر میکردی ،
 و من فعلاً با تیغ نوع کمک کرده نمیتوانم .

خرس شدیداً پشیمان شده و بالاخره به سبب غم و اندوه زیاد
 در همانجا جان خود را از دست داد .

معنی

لغات

بی عقل	‡	۱- بی تمیز
مصلحت کردن	‡	۲- مشوره
غم	‡	۳- اندوه

جناب معلم صاحب این حکایت را در قسمت روس و انگلیس تطبیق نمایند.

رقعه مریضی

فاضل محترم امر صاحب مدرسه ابوحنیفه رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ!
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

محرماً: امروز نسبت مریضی به دروس خویش حاضر شده
نیتوانم. امیدوارم که غیر حاضر نشوم. والسلام

عبدالله شاگرد صنف سوم الف

۱۴۰۴ / ۱ / ۲۵

رقعه ضروری
-۲-

محترم امر صاحب مدرسه ابوحنیفه رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ!
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

محرماً: امروز ضرورت زیادی برای من واقع شده است
که بدروس های خود رسیدگی کرده نیتوانم. آرزو مندم
که غیر حاضر محسوب نشوم. با احترام عبدالقدیر ستعلم صنف سوم الف

۱۴۰۴ / ۱ / ۲۰

شاگردان کوشش کنند تا بقلم خود رقعہ های مریضی درخصتی را نوشته بتوانند.

معلم صاحب نوشتن حروف در اول و وسط و آخر کلمات نشان در آموختن آنها سعی نماید .

مثال	در اول کلمه	مثال	در وسط کلمه	مثال	در اول کلمه	مثال
ا	ا	جهاد	ا	احمد	ا	ا
ب	ب	البر	ب	برادر	ب	ب
پ	پ	تپه	پ	پدر	پ	پ
ت	ت	تخم	ت	تفنگ	ت	ت
ث	ث	مثل	ث	ثواب	ث	ث
ج	ج	سجده	ج	جنگ	ج	ج
چ	چ	فیچمی	چ	چانه	چ	چ
ح	ح	حرف	ح	حانی	ح	ح
خ	خ	سخاوت	خ	خاله	خ	خ
د	د	مادر	د	دالتر	د	د
ذ	ذ	گذشت	ذ	ذاکر	ذ	ذ
ر	ر	مرد	ر	روزه	ر	ر
ز	ز	سزا	ز	زندگی	ز	ز
س	س	اسلام	س	سلام	س	س
ش	ش	شمشیر	ش	شریعت	ش	ش
ص	ص	تصدیق	ص	صادق	ص	ص

مردف اصلی	در اول	شال	در وسط	شال	در آخر	مثال
ض	ض	ضامن	ض	تضمین	ض	مرض
ط	ط	طالب	ط	قطع	ط	محیط
ظ	ظ	ظلم	ظ	مظلوم	ظ	محموظ
ع	ع	علم	ع	معلم	ع	شمع
غ	غ	غزا	غ	لغت	غ	تیغ
ف	ف	فرض	ف	مفید	ف	شرف
ق	ق	قادر	ق	فقیر	ق	حق
ک	ک	کاغذ	ک	سکوت	ک	تاک
ل	ل	لطیف	ل	کلمه	ل	کابل
م	م	مجاہد	م	نعمت	م	امام
ن	ن	نبات	ن	منبر	ن	قرآن
و	و	وفا	و	مورچ	و	آه
ه	ه	هجرت	ه	مختاب	ه	کتابچه
ع	ا	احترام	ع	مسئول	ع	سوء
ی	ی	ینس	ی	خیر	ی	سعی
ژ	ژ	ژالر	ژ	مژده	ژ	ژاژرژنژ
گ	گ	محل	گ	گلگون	گ	رنگ

نوت : آواز ژرژر در دستن آواز نشه

مکتوب سپر برای پدر

پدر محترم و بزرگوارم!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

به فضل خداوند جلّ و علا تا حال صحت دارم. سلامتی شما و همه دوستان

را از خداوند بزرگ خواهانم.

پدرمهربانم! نامه پر از محبت شما دیروز در حالی که با انتظار

آن بودم، برایم رسید. و از مطالعه آن خودم و همه اعضا، فامیل

خورشند شدیم. شکر که بلطف خداوند جلّ و علا، محتمند و آسوده هستید.

از آنکه در جهاد علی کمونست‌ها کامیابی‌های را خداوند جلّ و علا برای

مجاهدین نصیب گردانیده است، خیلی ما خوش شدیم.

و شما نیز از طرف ما بکلی خاطر جمع باشید که همه ما به آرامی و
عافیت زندگی داریم .

پدر جان! چندی قبل امتحان چهارونهم ماهه ما بخوبی
گذشت و بفضل خداوند^(ع) و بر اثر کوششهای شبانروزی خود به درجه سوم
کامیاب شدم . در خاتمه آرزو مندم که پس کوچک
خود را از دعای خود فراموش نکنید .

شاگردان مکتوب نویسی را بیشتر تمرین نمایند تا بتوانند اصیاجات کتابتی خود را خودشان مرفوع سازند .

علم و دانش

چون آموختن علم شریعت بر مردوزن مسلمان
فرض است پس بر هر مسلمان ضروری است که در راه
آموختن علم بکوشد، و وقت پر قیمت خود را ضایع نکند.
باید در آموختن علم تنگ و عاوانگ کرده، در پرسش مسائل علمی خجالت
نکشید زیرا که پرسیدن عیب نیست، بلکه نداشتن عیب
است.

خداوند بندگان را برای ما چشم داده تا بینیم، و گوش داده تا
توسط آن صدای او را بشنومیم، و بالاخره برای ما عقل داده تا خوب
از بد تمیز کنیم و چیز را که نمی فهمیم از علماء و دانایان بپرسم.

آدمی در ابستد امی زندگی چیزی رانمی داند ، اما با شردیدن و
شنیدن و پرسیدن و خواندن دانامی شود . که همه علما و بزرگان
از همین راه داناشده اند .

پس ای فرزندان مجاهد ! درین وقتیکه روس های کافر و وطن
تجاوز کرده اند و اکثر علماء و دانشمندان مملکت ما را به شهادت
رسانیده اند حاضر و راست که شما فرزندان مجاهد و موم من کشور
بخون خفت در آموختن علوم زحمت زیاد بکشید و شب و
روز خود را در تحصیل علم بگذرانید . زیرا وعده خداوند حق است و

حق بر باطل حتماً پیروز شدنی است .

وطن محبوب ما این شایسته آزادی شود ، و شما

نونهالان مؤمن هستید که آینده کشور بدست شماست

و حتماً باید به عوض علماء و استادان شهید در راه خدا حَسْبُكَ اللَّهُ

و طیفه خود را انجام دهید .

معلم صاحب کلمات املایی درس فوق را بالای طلاب کار نماید .

نصائح

- ۱- چیزی که به خود نپسندی به دیگران پسند .
- ۲- در غیاب کسی سخنان بد نزنید و غیبت نکنید .
- ۳- با کسی که از شما بزرگتر باشد، مزاح نکنید .
- ۴- در راه رفتن از بزرگان پیش نروید .
- ۵- بیچ کس را آزار ندهید .
- ۶- کار امروز را بفرمانگذارید .
- ۷- بخمیل نباشید، و اسراف هم نکنید .

لغات

۳- غبت = پشت کسی سخن زدن که انسان از آن سخن
آزرده میشود .

۱- غیاب = پشت سر

۲- اسراف = مصرف بیجا

معلم صاحب بالای طاباق نصایح فوق را مشق و تمرین نماید، تا خوب زمین نشین اطفال گردد .

لطیفہ

یکروز یک طفل بخاطر آب بازی خود را بدریای بزرگی ،
انداخت ، در حالی کہ آب بازی را نمیدانست ، قریب
بود غرق شود .

مردیکہ از راه میگذشت ، بہ بسیار عجلہ خواست تا اورا
از غرق شدن نجات دہد . اما آن شخص بعوض اینکہ ،
زودتر اورا از غرق شدن نجات دہد ، بہ ملامت کردن شروع
کرد . و بہ سخنان خود ادامہ میداد .

پس طفلک بہ بسیار زاری و فریاد گفت : کاکا جان ،
اول مرا از مرگ خلاص کنید بعدا بہ ملامت کردنم ادامہ دهید .

معلم صاحب گردان را بہ یاد کردن لطیفہٴ حکایت دلچپ دینی تشویق نماید .

ترتیب اولاد مسلمان

در خانواده

تربیه نمودن اولاد صالح و مسلمان وظیفه هم پدران و

مادران مسلمان است .

ما همه میدانیم که داشتن فرزندان عالم و مسلمان سبب آبرو و عزت فامیل ما بوده ، و باعث ترقی و پیشرفت یک مملکت اسلامی میگردد .

چنانچه از مضمون حدیث شریف معلوم می شود ، که پدر و مادر رئیس و نگهبان فامیل خود اند . مثل یک چوپان که وظیفه اش نگهداری گوسفندان اوست . مادران و پدران نیز در قسمت تربیه نیکو و اسلامی اولاد خود وظیفه بسیار بزرگ دارند که از اولاد خود با خبر باشند . یعنی ضرورت است که اولاد در

قدم اول با اخلاق اسلامی تربیه شوند، و بعد با علوم اسلامی

آشنائی کامل حاصل کنند .
پس باین نتیجه میرسیم که اساس یک جامعه

اسلامی را فامیل های مسلمان تشکیل میدهند .

اگر فامیل مسلمان وظیفه خود را مطابق به هدایات پیغمبر ﷺ

در قسمت تربیه اولاد خود انجام دهد، از یک طرف سبب

خوشنودی خداوند میگردد و طرف دیگر افراد جامعه

به سعادت دنیوی و اخروی میرسند.

لغات

معنی

خوب و نیکو

۱- صالح

۲- هدایت : راه نمانی ؛

معلم صاحب سئولیت یکنفر چوپان و سئولیت بیسک فامیل را با هم مقایسه کند، و شاگردان

را بوظیفه خطیر پدران در برابر اولاد خود ملتمت سازد .

افغانستان

افغانستان یک مملکت اسلامی است ، که
تقریباً ۱۴۰۰ سال قبل در زمان خلافت حضرت
عثمان رضی الله تعالی عنه مردم این سرزمین بدین اسلام مشرف



شده اند، و از فیض دین مقدس اسلام مردم مسلمان
ماتا حال با عزت و آبرو زندگی میکنند.

مملکت عزیز ما چندین مرتبه از طرف ملت های کفر
مورد حمله قرار گرفته است. اما در هر مرتبه مردم شجاع
و خدایست ما دشمنان را بشکست روبرو نموده اند.

چنانچه انگلیس ها مرتبه با مردم افغانستان جنگیدند.
اما در برابر مردم با ایمان و خدایست ما مقاومت توانسته
شکست خوردند.

همچنان روس ها نیز چندین بار به افغانستان بی شرمآ
حمله نموده، مگر با خسارات زیادی شکست خوردند، چنانچه فعلاً

هم بعد از گذشت چندین سال به احسان خداوند جل و
 غیرت اسلامی این مردم، شوروی با آنهم قوای جهان
 و هزار نوع چال و نیزنگ های خود بشکست موجه بوده،
 در جهان رسوا شده اند .

تا زنده ایم دین و وطن عزیز خود را به قسم ناموس خود دانسته
 در محافظت و پیشرفت آن با نیروی از قرآن کریم و هدایات
 حضرت محمد صلی الله علیه و آله متحده می گزینیم و تا آخرین تمخض حیات
 از آن پشتیبانی می نمایم .

معنی	لغات	معنی	لغات
۴- محافظت	نهبانی	۱- مقاومت	ایستادگی
۵- هدایات	راه نمائی	۲- خسارت	ضررنا
		۳- احسان	بخشش

تیرین

- ۱- دین اسلام در کدام زمان به افغانستان رسیده است ؟
- ۲- جنگ انگلیس را لور خلع یاد آور شوید ؟
- ۳- شوروی در کدام وقت به افغانستان حمله نمود، و چند مدت از آن میگذرد ؟

معلم حساب در مورد پاسخ سوالات بالای شگردان همکاری نماید .

مقام معلم

معلم گرنمودی اینقدر علم از کجا میشد
بالفاظ و به معنی طالبان چون آسمان میشد
اگر استاد در تعلیم شاگردان نمی کوشید
چگونه از غبار جهل ایند لها صفا میشد
خواص جمله اشیا در جهان می ماند پوشیده
چه چاره بود اگر شخصی بدردی مبتلا میشد
ز فیض علم باشد نظام هر چه را بینی چه
بدون علم کار خلق کی بامنا میشد چه
معلم گر چراغ علم و عرفان را نمی افروخت
چسان مخلوق عالم واقف از ذات خدا میشد

چرا ای ارجمند من نکوشیدی بدس خود
 کنون هر مشکل معلق ایگار تو و امی شد
 تو از شان معلم بی خبرماندی هزار افسوس
 برای دیده ات خاک قدم و شستن تو تیا میشد
 اگر علم و کمالی عشق می داشتی از خود
 بهر جان سخن سعی تو هم عقده کشا میشد

(حضرت مولی عشقوی رح)

معنی	لغات	معنی	لغات
چیدگی	۴ - معلق	گرفار	۱ - بست
سیر	۵ - توتیا	برکت	۲ - فیض
عزت	۶ - شان	باخبر	۳ - واقف
		۷ - عقده	

مدرسہ جامی تریب و آموختن علم و اخلاق است .
 همان قسمیکہ در خانہ آداب و روش زندگی را از
 والدین پدر و مادری آموزم ، در مدرسہ نیز خواندن ،
 نوشتن ، آداب ، اخلاق و جہاد را بہ اساس
 پیری اسلام با خبر می‌شوم . از مسائیل جہانی ، شناخت
 امراض ، و جلوگیری از آنها ، و فہمیدن چیزہائیکہ در روی
 زمین میباشند و طریق استفادہ از آنها را از تسلیم مدرسین در
 مدرسہ یاد میگیرم .

پس ما باید مدرسہ را مثل خانہ خود دوست داشتہ ما
 اشیاء و لوازمیکہ در آن موجود است حفاظت و نگہداری
 نمایم . ما شاگردانیکہ در مدرسہ مشغول درس و تعلیم میباشیم ،

همه با مدرسین ، پدرا ، مادر و بزرگان خود احترام داشته به
گفته های فایده مند آنها گوش میدیمم . و از
اخلاق نیک شان پیروی و اطاعت می نمایم .

شاکردان عنوان فوق را بدقت بخوانند ، بعدا راجع به عنوان مدرسه مقاله کوچکی از نظر خود بنویسند
و خوبیهای مدرسه را روشن سازند .

سید جمال الدین افغانی

یکی از علمای بزرگ بسیار مشهور افغانستان سید جمال الدین
پرسید صفدر می باشد .
این مرد بزرگ در سال ۱۲۵۴ در قره اسعد آباد کز تولد شده است .
سید جمال الدین «افغانی» تعلیمات ابتدائی را در کابل تکمیل
نموده است .

سید جمال الدین هفده ساله بود ، که به هند سفر کرد و این سفرش
بخاطر یاد گرفتن علم ریاضی بود ، و بعداً به قصد ادای حج به بیت الله
شریف رفت .

پسچنان سید جمال الدین «افغانی» به ممالک مصر ، ایران ،
استانبول ، روسیه ، فرانسه ، لندن و جرمنی مسافرت

کرده است .

و گمانه مقصد و نظریات سید جمال الدین « افغانی » درین سفرها
فهمانند مردم جهان به دین مقدس اسلام و اتحاد مسلمین
جهان بودجه وقت و طیفه اسلامی اش را در کفر آنها نوشتن
کتابها و مقاله های سودمند انجام میداد .
و کوشش میکرد که ظلم و بی عدالتی ها ، نفاق و دشمنی ها از -
بین مردم دور شود ، و مسلمانان به هرجاییکه باشند با هم
اتفاق و اتحاد کامل داشته باشند .
بلاخره در سنه ۱۳۱۶ هجری قمری در استانبول وفات نمود
و بعد از جدش را به کابل نقل داده ، در ساحه پوهنتون ،
به خاک سپردند .

لغات

معنی

بجا آوردن
پوره کردن
دو چرخ و دشنی
میدان

۱- اداء
۲- تکمیل
۳- نفاق
۴- سام

سوالات

- ۱- سید جمال الدین، افغانی، از کدام ولایت افغانستان میباید ؟
- ۲- سید جمال الدین، افغانی، بکدام ممالک سفر نموده است ؟
- ۳- مقصد سید جمال الدین، افغانی، از سفرهایش چه بود ؟
- ۴- مقبره سید جمال الدین، افغانی، در کجاست ؟

شیر فروش

شیر فروشی بود که در شیر آب می انداخت ، و به مردم میفروخت .
یک نفر که از فریبکاری او به تنگ شده بود ، یک روز دو
ظرف آورد .

شیر فروش گفت : هر روز یک ظرف شیر میبندی ،
مگر امروز دو ظرف شیر میبندی ؟
شخص مذکور گفت : دو ظرف آورده ام برای اینکه شیر
و آب را جدا جدا بدهید .

شیر فروش شرمندره شد و بسیار خجالت کشید .

معلم صاحب قلب و مردم فرسی را با نتیجه و عاقبت خراب آن بشارت گردان مفضل تشریح
کند . تا شاگردان ازین عمل مذموم اجتناب داشته باشند .

بهترین و بدترین چیزها

تاجری به آشپز خود گفت : امروز از بهترین چیزها غذایی تهیه کن .

آشپز خوراک لذیذی از زبان گوسفند پخت و پیش آورد .
تاجر پرسید ، این غذا را از چه پخته کردی ؟

جواب داد ، از زبان گوسفند . زیرا فرمودید از بهترین چیزها غذایی پخته کنم ، در دنیا از زبان بهت حدیث ؟
روز دیگر تاجر برای آزمایش به آشپز گفت :

امروز میخواهم از بدترین چیزها خوراک تهیه کنی . آشپز که مرد دانائی بود ، این بار نیز از زبان گوسفند غذایی ترتیب داد .
تاجر چون این غذا را دید ، پرسید : این خوراک از چه

ساخته‌ای ؟
گفت : از زبان گوسفند ، زیرا که گشتید از بدترین چیزها غذائی
بیزم ، در دنیا از زبان بدتر چیست ؟
تا جبر ازین سخن تعجب کرده پرسید : چگونه ممکن است
زبان هم بهستین و هم بدترین چیزها باشد ؟
ایشان گفت : خوب و بد دنیا همه از زبان است .
اگر خوب گوید بهتر از آن چیزی نیست ، و اگر بد گوید بدتر از آن
نیست . چنانچه گفته اند : (زبان سر سبز میدهد برباد)

معلم صاحب مفهوم درس پایه شاگردان بیاموزد .

معنی	لغات	معنی	لغات
آماده کردن	۴ - تهیه	خوش مزه	۱ - لذیذ
		خوراک	۲ - غذا
حیرانی	۵ - تعجب	امتحان	۳ - آزمایش

سوالات

- ۱ - زبان را تعریف نماید ؟
- ۲ - زبان را خداوند جل جلاله برای چه آفریده است ؟
- ۳ - زبان در کدام صورت بهترین چیزها است ؟
- ۴ - زبان در کدام صورت بدترین چیزها است ؟

ریاضی

برای صنف سوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل اول

نوشتن اعداد تا صد هزار ۱۰۰۰۰۰ ، یک لک،

شاگردان عزیز در صف دوم نوشتن و خواندن اعداد را از یک

تا ۵۰۰۰ پنجه یاد گرفتید . حال در صف سوم نوشتن و خواندن

اعداد را تا صد هزار یاد خواهید گرفت .

شما از صفوف گذشته میدانید که بزرگترین عدد یک رقمی عبارت از (۹) بوده که اگر

به آن (۱) علاوه شود عدد ده (۱۰) بدست می آید ، که کوچکترین عدد دو رقمی است .

به همین ترتیب (۹۹) بزرگترین عدد دو رقمی است که اگر به آن عدد (۱) علاوه گردد ، عدد

صد (۱۰۰) که کوچکترین عدد سه رقمی است بدست می آید . به آسانی می توان گفت که (۹۹۹) -

بزرگترین عدد سه رقمی است ، اگر به آن عدد (۱) علاوه شود کوچکترین عدد چهار رقمی بدست می آید

که باین شکل نوشته می شود ، (۱۰۰۰) و بنام عدد هزار یاد می شود .

تا به حال شما طبقه اول اعداد را با سه مرتبه (یکها ، دهها و صدتا) خوانده اید و می توانید تمام اعداد

- سه رقمی را در مرتبه های مربوط طبقه اول بنویسید . حال که عدد (۱۰۰۰) را شناختید و میدانید که یک عدد چهار رقمی است . پس باید رقم (۱) آن را در مرتبه یکم یا طبقه دوم (طبقه هزارها) به شکل ذیل نوشت :

طبقه اول (یکها)			طبقه دوم (هزارها)		
مرتبه یکها	مرتبه دهها	مرتبه صدها	مرتبه یک هزارها	مرتبه ده هزارها	مرتبه صد هزارها
.	.	.	۱		

به همین قسم می توانیم بگوئیم که بزرگترین عدد چهار رقمی (۹۹۹۹) است ، که اگر به آن عدد (۱) علاوه شود عدد (۱۰۰۰۰) بدست می آید که کوچکترین عدد پنج رقمی بوده و بنام ده هزار یادی شود و آنرا به مرتبه ها و طبقات آن به شکل ذیل می توان نوشت :

طبقه اول یکها			طبقه دوم هزارها		
مرتبه یکها	مرتبه دهها	مرتبه صدها	مرتبه یک هزارها	مرتبه ده هزارها	مرتبه صد هزارها
.	.	.	.	۱	

به آسانی می توان گفت که بزرگترین عدد پنج رقمی (۹۹۹۹۹) بوده که اگر به آن عدد (۱) علاوه گردد عدد (۱۰۰۰۰۰) بدست می آید که عبارت از کوچکترین عدد شش رقمی بوده و بنام یکصد هزار یاد می شود و آزمای توان در مرتبه ها و طبقات آن به شکل ذیل نوشت :

طبقه دوم هزارها			طبقه اول یکها		
مرتبه صد هزارها	مرتبه ده هزارها	مرتبه یک هزارها	مرتبه هزارها	مرتبه دهها	مرتبه یکها
۱	۰	۰	۰	۰	۰

تشریحات فوق را میتوان در جدول ذیل طور خلاص چنین نوشت :

طبقه اول (یکها)		طبقه دوم (هزارها)					
رتبه یکها	رتبه دهها	رتبه صدها	رتبه یکهزارها	رتبه هزارها	رتبه صد هزارها		
کوچکترین	۰					اعداد یک رقمی	
بزرگترین	۹						
کوچکترین	۰	۱				اعداد دو رقمی	
بزرگترین	۹	۹					
کوچکترین	۰	۰	۱			اعداد سه رقمی	
بزرگترین	۹	۹	۹				
کوچکترین	۰	۰	۰	۱		اعداد چهار رقمی	
بزرگترین	۹	۹	۹	۹			
کوچکترین	۰	۰	۰	۰	۱	اعداد پنج رقمی	
بزرگترین	۹	۹	۹	۹	۹		
کوچکترین عدد شش رقمی	۰	۰	۰	۰	۰		

می آیند . ۱۰ ، ۲۰ ، ۳۰ ، ۴۰ ، ۵۰ ، ۶۰ ، ۷۰ ، ۸۰ ، ۹۰

که این اعداد یک ده یا چند دهه را نشان میدهند .

مثل ۳۰۰ صیغه کسره دایما ، ۷۰۰ تن مجاهدین که بهشت دهه را نشان میدهد . از عدد ۱۰۰ تا ۹۹۰ هر کدام یک عدد دورقمی است . که رقم اول آن را خانه یکان و رقم دوم آن را خانه دهها میگویند اگر بطرف راست اعداد یک رقمی دو صفر بگذاریم اعداد ذیل بدست می آید .

۱۰۰ ، ۲۰۰ ، ۳۰۰ ، ۴۰۰ ، ۵۰۰ ، ۶۰۰ ، ۷۰۰ ، ۸۰۰ ، ۹۰۰

اعداد بالای یک صد یا چند صد را نشان میدهند .

حال اگر عوض رقم اول صفر ، ارقام یک را بنویسیم اعداد سه رقمی ذیل

بدست می آیند .

۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳ ، ۱۰۴ ، ۱۰۵ ، ۱۰۶ ، ۱۰۷ ، ۱۰۸ ، ۱۰۹

اگر عوض هر دو صفر ارقام دیگر بنویسیم از ۱۰۰۰ تا ۹۹۹۰ اعداد سه رقمی دیگر ساخته می شوند . پس هر عدد سه رقمی از ارقام یکان ، دهها ، و صداهای بدست می آیند . یعنی در هر عدد سه رقمی خانه اول راست را یکان خانه دوم را

دها و خان سوم را صد آگوسد.

اگر بطرف راست اعداد یک رقمی صفر بگذاریم اعداد ذیل بدست می آیند.

۱۰۰۰ ، ۲۰۰۰ ، ۳۰۰۰ ، ۴۰۰۰ ، ۵۰۰۰ ، ۶۰۰۰ ، ۷۰۰۰ ، ۸۰۰۰ ، ۹۰۰۰

اعداد بالا یک هزار یا چند هزار را نشان میدهد . و اگر بطرف راست

اعداد "۱" تا صد صفر بگذاریم از "۱۰۰۰۰" تا آعداد هزاری بدست می

آیند مثل :

۱۰۰۰ ، ۲۰۰۰ ، ۳۰۰۰ ، ۴۰۰۰ ، ۵۰۰۰ ، ۶۰۰۰ ، ۷۰۰۰ ، ۸۰۰۰

۹۰۰۰ ، ۱۰۰۰۰ ، ۲۰۰۰۰ ، ۳۰۰۰۰ ، ۴۰۰۰۰ ، ۵۰۰۰۰ ، ۶۰۰۰۰ ، ۷۰۰۰۰

۸۰۰۰۰ ، ۹۰۰۰۰ ، ۱۰۰۰۰۰

شمار اعداد هزارا مانند اعدادیست که از یک "۱" تا صد شمار می شوند . مگر

اینجا تنها در آخر کلمه هزار اضافه می شود مثل یک هزار "۱۰۰۰" دو هزار

"۲۰۰۰" سه هزار "۳۰۰۰" ده هزار "۱۰۰۰۰" بیست هزار "۲۰۰۰۰" نود و نه هزار

"۹۹۰۰۰" صد هزار "۱۰۰۰۰۰"

نشان دادن مرتبه و طبقات اعداد

از ۱۰ تا ۹۹۹۰، اعداد یک رقمی، دو رقمی، سه رقمی
در طبقه اول و از هزار ۱۰۰۰۰ تا ۹۹۹۹۹۹۰، اعداد چهار رقمی پنج رقمی
و شش رقمی در طبقه دوم جا دارند.

به طبقه سه مرتبه دارد، که مرتبه های طبقه اول را یکان، دهان، صدان و
مرتبه های طبقه دومی را مرتبه های هزاران، ده هزاران و صد هزاران گویند.
خواص اینکه تمام اعداد یک رقمی در مرتبه یکان می آیند و ارقام خانه دوم
اعداد دو رقمی دهان، ارقام خانه سوم اعداد سه رقمی صدان، ارقام خانه
چهارم اعداد چهار رقمی را هزاران، ارقام خانه پنجم اعداد پنج رقمی را
ده هزاران و ارقام خانه ششم اعداد شش رقمی را صد هزاران میگویند.

تشریح بالا در جدول ذیل طور خلاص نشان داده می شود.

طبقه دوم			طبقه اول		
رتبه هشتم	رتبه پنجم	رتبه چادم	رتبه سوم	رتبه دوم	رتبه اول
صد هزاراً	ده هزاراً	هزاراً	صد	ده	یک
					۱
				۱	.
			۱	.	.
		۱	.	.	.
	۱
۱

یک
ده
صد
هزار
ده هزار
صد هزار

طرح مثال: در عدد ۱۵۴۳۰۲، در یکا (۲)، در دهاً (۰)، در صد (۴)، در هزار (۳)، در ده هزار (۵) و در ده هزاراً (۱) در خانه ده هزاراً نوشته میشود که ارقام این اعداد عدد پانزده هزار و چارصد و سی و دو بدست می آید

عدد ۱۵۴۳۲۰، در طبقات و مرتبه‌ها به ترتیب ذیل نوشته می‌شود.

طبقه دوم		طبقه اول			
ده هزاراً	هزاراً	صدا	دها	یکان	
۱	۵	۴	۳	۲	

در جدول بالا اعداد (۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰) در طبقه اول ارقام ۵ و ۱ و در طبقه دوم نوشته شده‌اند. علاوه بر این ۲۰، ۳۰، ۴۰ و ۵۰ مرتبه طبقه اول ۵ و ۱ در مرتبه طبقه دوم می‌باشند. برای اینکه خواندن اعداد را خوب بفهمیم از راست بچپ و مرتبه جدا می‌کنیم و باز از طرف چپ بطرف راست می‌خوانیم. مثلاً ده هزار و دو (۲۰۰۰۰۲) در مرتبه‌ها و طبقات قسم ذیل نوشته می‌شود.

طبقه دوم		طبقه اول			
صدهزاراً	ده هزاراً	هزاراً	صدا	دها	یکان
	۱	۰	۰	۰	۲

در طبقه اول ۲ در خانه یکا نوشته شده یک چند حساب می شود.
رتبه های دوم و سوم اش صفر است. در مرتبه هزار طبقه دوم هم صفر نوشته
شده است و در مرتبه ده هزارا ۱۰ نوشته شده که ۱۰ ده هزار چند میشود
به این ترتیب طبقه اول و دوم هر دو با هم یکجا ده هزار و دوی شود.



نوت :- محترم معلم صاحب شاگردان را بجهانند که ارقام دیگر هر یک، یک عدد معین را
نشان میدهد و صفر که ام تعداد ایشان نمیدهد و اگر صفر طرف راست ارقام دیگر نوشته
شود همان ارقام را ده چند می سازد.

تمرین

اعداد ذیل را به شکل هندی بنویسید :

۱- چار عدد مختلف سه رقمی .

۲- هشت عدد مختلف چار رقمی .

۳- نه عدد مختلف شش رقمی .

اعداد ذیل را در مرتبه و طبقات شان به روی جدول بنویسید :

۴۲۳۱ -۱

۵۳۹۹ -۲

۵۰۰۹ -۳

۷۰۰۷ -۴

۸۰۹۵ -۵

اعداد ذیل را به شکل هندی نوشته کنید و بعد نظر به مرتبه و طبقات شان درج جدول نمایید

- ۱- نه هزار و نود نه
- ۲- ده هزار و
- ۳- نود و پنج هزار و هفتاد و پنج
- ۴- هشت و هشت هزار و هفتاد و پنج
- ۵- چارده هزار و دویست و پنج
- ۶- هجده هزار و پنجاه و هشت
- ۷- هشتاد و چهار هزار و چارصد و چهل و چهار
- ۸- نود و پنج هزار و سی و چهار
- ۹- هشت هزار و صد
- ۱۰- سی هزار و هشتاد و نه

فصل دوم

جمع :

تعریف :- جمع در لغت یک جا کردن را گویند و در ریاضی یکجا نمودن اشیاء هم جنس را گویند .

مثال ۱۰ : احمد ۱۲، پاره قرآن کریم را تلاوت کرده و ۱۸، پاره دیگر را نیز تلاوت می کند تماماً چند پاره میشود ؟

$$\begin{array}{r} \text{حل :} \\ 12 \text{ پاره} \\ + 18 \text{ پاره} \\ \hline 30 \text{ پاره} \end{array}$$

مثال ۲۰ :- در بکس بلال ۱۵۱ کتابچه و ۱۲۰ دانه پنسل است تماماً چند دانه می شود ؟

حل : ما میدانیم که تعداد هر دو جنس فوق ۲۷ دانه می شود . اما اگر گرفتن نام شیء مطلوب بعد از عدد حتمی باشد پس نمیتوان این دو تعداد را با هم جمع

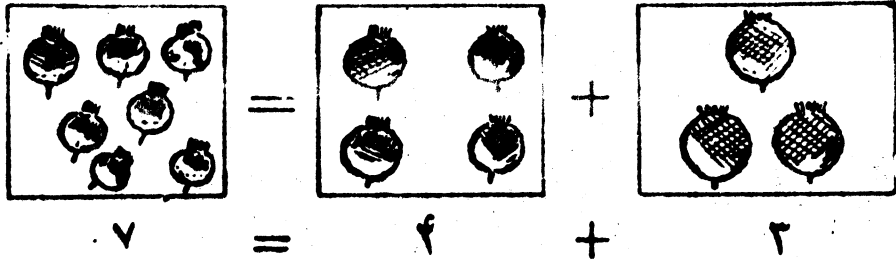
کرد زیر اسم جنس نیستند .

مثال ۲۰ :- نماز پنج رکعت و نماز پیشین ۱۰۰ رکعت است
تعداد رکعت های هر دو وقت نماز را معلوم کنید ؟

حل : $4 \text{ رکعت} + 10 = 14 \text{ رکعت}$

جمع کردن اعداد توسط اشکال

مثال :



سه انار که همراه چار انار یکجا شود هفت انار می شود .

این علمیه را جمع گویند طوری که عدد (۳) جز اول جمع، عدد (۴) جز دوم جمع و عدد (۷) حاصل جمع گفته می شود .

نوبت : محرم مسلم صاحب راجع به اشیاء هم جنس بناگر از این معلومات بدهد .

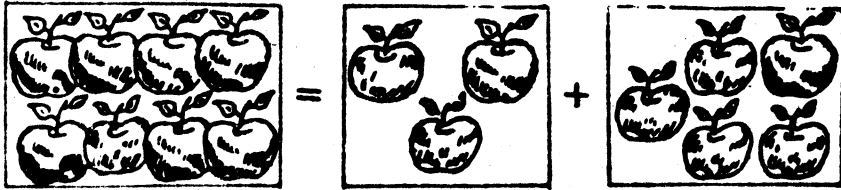
خاصیت جمع

۱- خاصیت تبدیلی در جمع اگر در عملیه جمع جابجای جمع تبدیل گردد، حاصل جمع کدام تغییری نمی آید مثلاً:

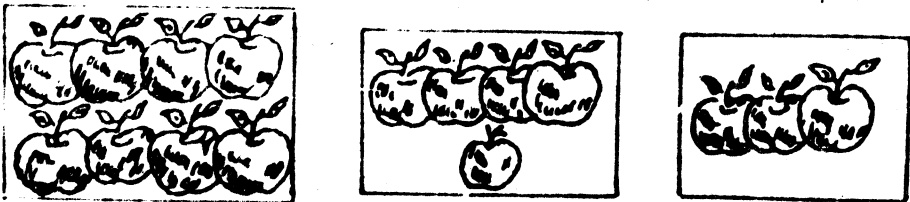
$$۸ = ۳ + ۵$$

$$۸ = ۵ + ۳$$

که از روی شکل این قسم نشان داده می شود.



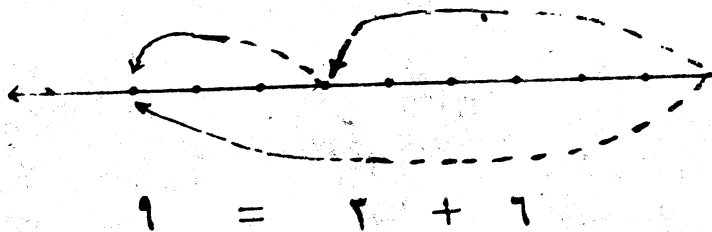
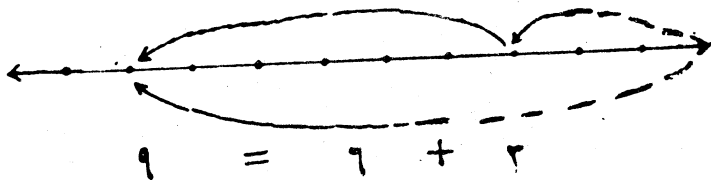
$$۸ = ۳ + ۵$$



$$۸ = ۵ + ۳$$

همین قسم روی نیم خط یا (شعاع اعداد) که به حصه های مساوی تقسیم گردیده نیز خاصیت تبدیلی در جمع با ارایه مثال ذیل نشان داده شده است :

$$9 = 6 + 3 \text{ و } 9 = 3 + 6$$



۲- جمع نمودن صفر با یک عدد :

صفر اگر با هر عدد جمع شود حاصل جمع خود همان عدد است. مثلاً

$$3 = 0 + 3 \text{ یا } 3 = 3 + 0 \quad 2 = 0 + 2 \text{ یا } 2 = 2 + 0$$

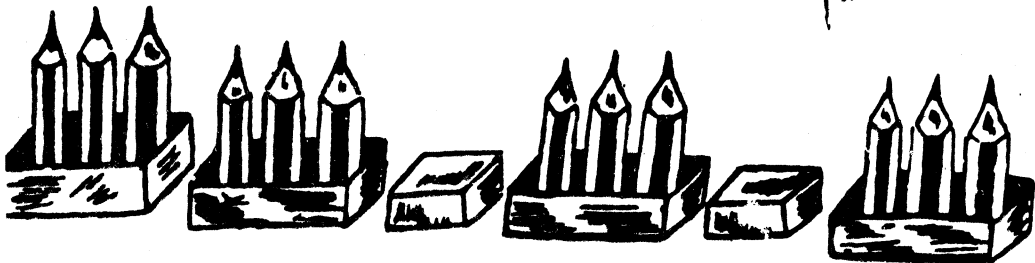
و غیره .

جمع نمودن صفر با یک عدد را توسط اشکال بهم می توانیم نشان دهیم
 ۱- در یک بشقاب ۲، دانه سیب است و در بشقاب دیگر هیچ سیب
 نیست پس جمعاً در هر دو بشقاب چند دانه سیب است ؟



$$2 = 2 + 0 \quad 2 = 0 + 2$$

۲- در یک قطعی سه دانه قلم و در قطعی دیگر هیچ قلم نیست پس
 می نویسیم که :



$$3 = 3 + 0 \quad 3 = 0 + 3$$

طریقه جمع کردن اعداد به شکل عمودی (زیر به زیر)

اول اعداد را از روی مرتبه ها و طبقه های آن یکی زیر دیگری طوری

می نویسیم که مرتبه یکها زیر یکها، مرتبه دهها زیر دهها و مرتبه صدها زیر صدها قرار گیرند.

حال ارقام هم مرتبه اعداد را با هم جمع میکنیم، هرگاه حاصل جمع

ارقام از ۹، اضافه شود رقم یکهای عدد حاصله را در زیر همان مرتبه

نوشته و رقم دههای آنرا با حاصل جمع ارقام مرتبه بعدی علاوه میکنیم.

پس همین ترتیب عملیه را تا اواخر دوام میدهم، در نتیجه عددی که در

زیر خط فاصل بدست می آید عبارت از حاصل جمع اعداد مطلوب

$$\begin{array}{r} 452 \\ + 46 \\ \hline 498 \end{array} \quad (2) \quad \begin{array}{r} 21 \\ + 2 \\ \hline 23 \end{array} \quad (1) \quad \text{می باشد مثلاً :}$$

$$\begin{array}{r} 2586 \\ + 6213 \\ \hline 8799 \end{array} \quad (5) \quad \begin{array}{r} 263 \\ + 224 \\ \hline 487 \\ + 402 \\ \hline 889 \end{array} \quad (4) \quad \begin{array}{r} 276 \\ + 423 \\ \hline 799 \end{array} \quad (3)$$

$$\begin{array}{r}
 \textcircled{1} \textcircled{1} \textcircled{1} \\
 ۱۷۹۲۶ \\
 + ۹۶۲۸۰ \\
 \hline
 ۱۸۴۲۰۶
 \end{array}
 \quad \textcircled{۷}$$

$$\begin{array}{r}
 ۵۰۰۴۲ \\
 + ۸۲۰۵۳۴ \\
 \hline
 ۸۷۰۵۷۶
 \end{array}
 \quad \textcircled{۶}$$

$$\begin{array}{r}
 \textcircled{1} \quad \textcircled{1} \quad \textcircled{1} \quad \textcircled{1} \\
 ۷ \quad ۴ \quad ۵ \quad ۶ \quad ۸ \\
 ۲ \quad ۲ \quad ۸ \quad ۹ \quad ۶ \\
 + ۵ \quad ۴ \quad ۲ \quad ۱ \quad ۴ \\
 \hline
 ۱۶ \quad ۱ \quad ۶ \quad ۷ \quad ۸
 \end{array}
 \quad \textcircled{۹}$$

$$\begin{array}{r}
 \textcircled{1} \quad \textcircled{1} \quad \textcircled{1} \\
 ۳ \quad ۱ \quad ۲ \quad ۴ \\
 + ۵ \quad ۶ \quad ۲ \quad ۸ \\
 ۳ \quad ۷ \quad ۵ \quad ۱ \\
 \hline
 ۱۲ \quad ۵ \quad ۰ \quad ۳
 \end{array}
 \quad \textcircled{۸}$$

$$\begin{array}{r}
 \textcircled{1} \quad \quad \quad \textcircled{1} \\
 ۷ \quad ۳ \quad ۳ \quad ۵ \\
 ۱ \quad ۵ \quad ۴ \quad ۶ \\
 + ۳ \quad ۵ \quad ۱ \quad ۲ \\
 \hline
 ۱۲ \quad ۳ \quad ۹ \quad ۴
 \end{array}
 \quad \textcircled{۱۱}$$

$$\begin{array}{r}
 \textcircled{1} \quad \textcircled{1} \quad \textcircled{1} \quad \textcircled{1} \\
 ۸ \quad ۰ \quad ۰ \quad ۸ \quad ۷ \\
 + ۱ \quad ۹ \quad ۹ \quad ۱ \quad ۳ \\
 \hline
 ۹ \quad ۰ \quad ۰ \quad ۰ \quad ۰
 \end{array}
 \quad \textcircled{۱۰}$$

محترم معتمد صاحب بشاگردان بفرمانده اعداد که بین حلقه تا در بالای اعداد جمع شونده در شالها فوق نوشته شده است ، حاصل جمع ارقام قبل است که باید مجموع ارقام بعدی جمع گردد .

تمرین

سوالات ذیل را جمع کنید.

$$\begin{array}{r} 72719 \\ + 90410 \\ \hline 82951 \end{array} \quad (2)$$

$$\begin{array}{r} 68022 \\ + 79268 \\ \hline 82975 \end{array} \quad (1)$$

$$\begin{array}{r} 80004 \\ + 71022 \\ \hline 29050 \end{array} \quad (4)$$

$$\begin{array}{r} 48202 \\ + 22008 \\ \hline 74625 \end{array} \quad (3)$$

$$\begin{array}{r} 10245 \\ + 22072 \\ \hline 47685 \end{array} \quad (6)$$

$$\begin{array}{r} 71025 \\ + 11086 \\ \hline 12125 \end{array} \quad (5)$$

$$\begin{array}{r} 80756 \\ + 16224 \\ \hline 26425 \end{array} \quad (8)$$

$$\begin{array}{r} 19624 \\ + 24580 \\ \hline 51224 \end{array} \quad (7)$$

امتحان عملی جمع :-

اگر نخواهیم معلوم کنیم که عملی جمع صحیح است و یا خیر می توانیم که از روی خاصیت تبدیلی عملی جمع جابجایی اعداد را تبدیل نمایم یا از طرف پایان بطرف بالا جمع کنیم اگر حاصل جمع عملی آخری با حاصل جمع عملی اول مطابقت داشت سوال حل شده صحیح است.

مثال ۱۰

$\begin{array}{r} \text{عملی آخر} \\ 5 \\ + 8 \\ 4 \\ 9 \\ \hline 26 \end{array}$	\longleftrightarrow برای امتحان نمودن بنویسیم	$\begin{array}{r} \text{عملی اول} \\ 9 \\ + 4 \\ 8 \\ 5 \\ \hline 26 \end{array}$
---	---	---

می بینیم که حاصل جمع اعداد، در هر دو صورت با هم مساوی است پس می توانیم بگویم که سوال حل شده صحیح است.

(۲)

$\begin{array}{r} 5 \\ + 9 \\ 3 \\ \hline 17 \end{array}$	\longleftrightarrow	$\begin{array}{r} 3 \\ + 9 \\ 5 \\ \hline 17 \end{array}$
---	-----------------------	---

$$\begin{array}{r} ۴۲ \\ + ۲۵ \\ \hline ۶۸ \end{array}$$

$$\begin{array}{r} ۲۵ \\ + ۴۲ \\ \hline ۶۸ \end{array}$$

(۳)

$$\begin{array}{r} ۱۴۲ \\ + ۲۲۵ \\ \hline ۳۶۸ \end{array}$$

$$\begin{array}{r} ۲۲۵ \\ + ۱۴۲ \\ \hline ۳۶۸ \end{array}$$

(۴)

$$\begin{array}{r} ۹۲۶۸ \\ + ۵۱۴۲ \\ + ۴۲۲۵ \\ \hline ۱۸۷۳۶ \end{array}$$

$$\begin{array}{r} ۴۲۲۵ \\ + ۵۱۴۲ \\ + ۹۲۶۸ \\ \hline ۱۸۷۳۶ \end{array}$$

(۵)

تمرین :

سوالات ذیل را جمع کنید.

$$\begin{array}{r} ۸۵ \\ + ۳۱ \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} ۲۲ \\ + ۲۶ \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} ۷۴ \\ + ۲۲ \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 74 \text{ متر} \\ + 13 \text{ متر} \\ \hline 12 \text{ متر} \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 25 \text{ قفاز} \\ + 43 \text{ قفاز} \\ \hline 21 \text{ قفاز} \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 63 \text{ راس برده} \\ + 76 \text{ راس برده} \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 432 \text{ مترسیم} \\ + 506 \text{ مترسیم} \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 30 \text{ بیضه تنم} \\ + 40 \text{ تنم} \\ - 19 \text{ تنم} \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 41 \text{ متر} \\ + 23 \text{ متر} \\ \hline 25 \text{ متر} \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 720 \text{ قلم} \\ + 649 \text{ قلم} \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 893 \text{ قفاز} \\ + 716 \text{ قفاز} \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 905 \text{ دانسیب} \\ + 804 \text{ سیب} \\ \hline \end{array}$$

۲۰. جواب سوالات ذیل را طور ذهنی بگوئید.

$$? = 0 + 9$$

$$? = 0 + 1$$

$$? = 9 + 0$$

$$? = 10 + 0$$

$$? = 11 + 7$$

$$? = 8 + 0$$

$$? = 2 + 0$$

$$? = 7 + 11$$

$$? = 0 + 7$$

$$9 = 0 + 50$$

$$9 = 0 + 5$$

$$9 = 0 + 8$$

$$9 = 4 + 44$$

$$9 = 95 + .$$

$$9 = 2 + 21$$

$$9 = 44 + 9$$

$$9 = 0 + 11$$

$$9 = 21 + 2$$

$$9 = 0 + 191$$

$$9 = 0 + 81$$

$$9 = 81 + 0$$

$$9 = 80 + 20$$

$$9 = 20 + 80$$

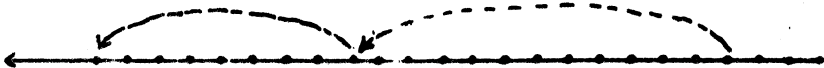
$$9 = 191 + 0$$

۳. دو سوال ذیل را با استفاده از نیم خط (شعاع اعداد)

$$9 = 12 + 8$$



$$9 = \dots + \dots$$



۱۴. سوالات ذیل را حل نمایید.

$$\begin{array}{r} ۲۷۱۸۶ + ۷۱۶۵۴ \\ + ۶۲۷۱۳ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۹۳۲۱ \\ + ۱۵۷۶ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۴۱۲ \\ + ۱۳۷ \end{array}$$

$$\begin{array}{r} ۷۴۱۱ \\ + ۶۲۳۵ \\ ۴۹۸۶ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۳۳۵۹۶ \\ + ۲۴۵۴۰ \\ ۳۲۵۵ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۱۴۵۶۸ \\ + ۱۲۳۱۲ \\ ۴۵۵ \end{array}$$

$$\begin{array}{r} ۵۸۹۷ \\ + ۲۳۷۶ \\ ۶۵۲۱۴ \end{array}$$

۱۵. سوالات ذیل را جمع و امتحان کنید

$$\begin{array}{r} ۸۴۱۲ \\ + ۶۳۹۲ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۲۱۵۴ \\ + ۷۰۳۶ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۱۶۹ \\ + ۷۴۳ \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 2541 \\ + 1782 \\ \hline 4323 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 724 \\ + 121 \\ \hline 845 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 12670 \\ + 49643 \\ \hline 62313 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 2834 \\ + 6200 \\ \hline 9054 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 4899 \\ + 6531 \\ \hline 11430 \end{array}$$

۶. سوالات عبارتی ذیل را حل کنید.

۱- نماز روز جمعه که ۱۰۰ رکعت آن سنت و ۲ رکعت آن

فرض است تماماً چند رکعت می شود ؟

۲- حضرت محمد صلی الله علیه و آله ۳۰، پسر و ۴۰ دختر داشت تماماً چند

اولاد داشتند.

۳- بالای حضرت موسی علیه السلام تورات ، بالای داوود علیه السلام

زبور بالای عیسی علیه السلام انجیل و بالای حضرت محمد صلی الله علیه و آله

قرآن کریم نازل شده است تماماً چند کتاب آسمانی می شود ؟

۴۱ - عقب یک امام دو صف از مقتدیان نماز میخوانند. اگر در صف اول ۱۵ نفر و در صف دوم ۱۳ نفر ایستاده باشند - تمام نمازگذاران چند نفراند ؟

۵ - نماز صبح (۴) رکعت نماز پیشین (۵) رکعت نماز دیگر (۴) رکعت نماز شام (۵) رکعت و نماز خفتن (۹) رکعت است تماماً چند رکعت نماز میشود ؟

۶ - حضرت محمد صلی الله علیه و آله در ۴۰ سالگی پیغمبری مبسوط گردیدند بعداً ۱۳ سال را در کعبه مظهر و ۱۰ سال را در دین منوره سپری و در آنجا رحلت نمودند بگوئید تمام عمر آن حضرت صلی الله علیه و آله چند سال بود ؟

۷ - یک مالدار از یک مرد (۱۵۰) رأس گوسفند و از مرد دیگر (۸۰) رأس گوسفند زکات داد معلوم نماید که این نفر چند رأس گوسفند زکات داده است ؟

۸ - سوره فاتحه ۷۰ آیه و سوره البقره ۲۸۶ آیه و سوره

آل عمران (۲۰۰)، آیه دارند معلوم کنید که مجموع تمام آیات این
سوره با چند می شود ؟

۹ - بالای آدم علیه السلام (۱۰۰) صحیفه، بالای شیت علیه السلام
(۵۰) صحیفه، بالای ادریس علیه السلام (۲۰) صحیفه و بالای ابراهیم علیه السلام (۱۰) صحیفه
نازل شده است، تماماً چند صحیفه می شود ؟

۱۰ - یک گروه مجاهدین در حمله اول بالای دشمن (۳۳) میل تفنگ
(۱۵۶۰۰) فیر مری و در حمله دوم (۱۰۸) میل تفنگ و (۳۹۰۰۰) فیر مری
به غنیمت گرفته اند معلوم نماید که این مجاهدین چند میل تفنگ و
چند فیر مری به غنیمت گرفته اند ؟

۱۱ - امام اعظم ابوحنیفه رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ در سال ۸۰۱ هجری تولد
شده و در ۷۰۱ سالگی چشم از دنیا پوشیده اند سن رحلت شان
را معلوم کنید ؟

فصل سوم

تفریق :

تعریف : تفریق در لغت جدا کردن را گویند و در اصطلاح ریاضی کم کردن یک شی از شی همجنس دیگر تفریق گفته می شود.

مثال ۱۰

عبدالله ۱۶۰، قحانی داشت ۱۳۰، قحانی را بپاره گرفت چند

قحانی نزدش باقی مانده است ؟

$$\begin{array}{r} \text{مفروق} \leftarrow ۱۶ \text{ قحانی} \\ \text{مفروق} \leftarrow ۱۳ \text{ قحانی} \\ \hline \text{مامل تفریق} \quad ۳ \text{ قحانی} \end{array}$$

۲۰. یک گروپ مجاهدین از ۲۸۱، عراده تانک روسی ۱۵۰، عراده تانک را آتش زدند بگویند چند تانک دیگر کمرختند؟

$$\begin{array}{r} 28 \\ - 15 \\ \hline 13 \end{array}$$

عراده تانک
تانک -
تانک

در مثال بالا عدد ۲۸۱، را مفروق منه عدد ۱۵۰، را مفروق و عدد ۱۳۰ را حاصل تفریق گویند.

تبصره :-

۱) حاصل تفریق دو عدد یک با هم مساوی باشند صفر می شود.
مثال :- بشیر ۱۸۱ برادر دارد اگر تمام شان به جهاد برود در خانه چند برادری ماند؟

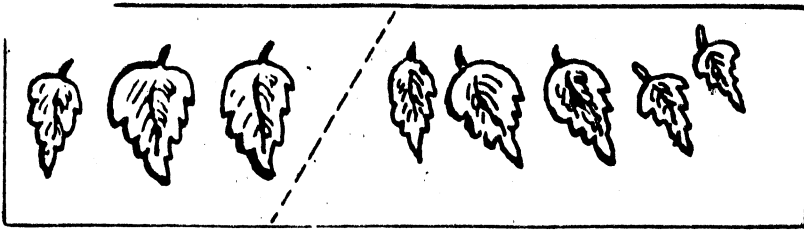
$$\begin{array}{r} 8 \\ - 8 \\ \hline 0 \end{array}$$

۲) اگر صفر را از یک عدد تفریق نمایم حاصل تفریق خود همان عددی باشد
مثال :- نذیر ۶۱، اخانی را با خود به بازار برد ولی در بازار هیچ چیزی نگرفت و سپس بخانه آمد

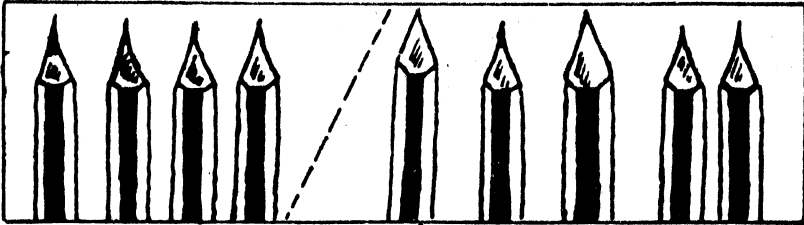
معلوم کنید تیز چند افغانی دارد؟

$$\frac{7}{6}$$

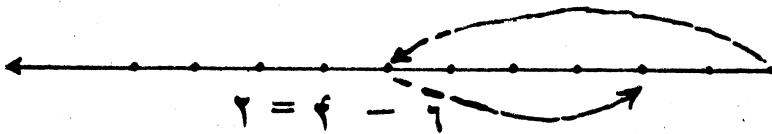
تفریق کردن از روی اشکال

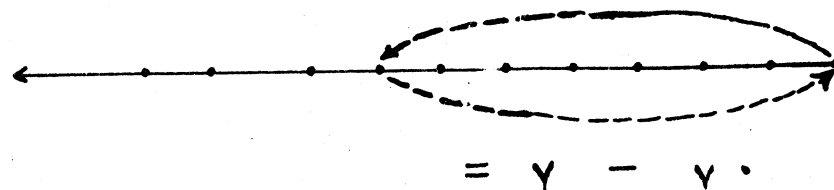
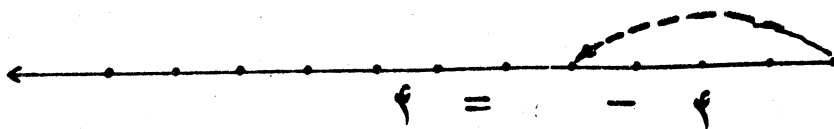
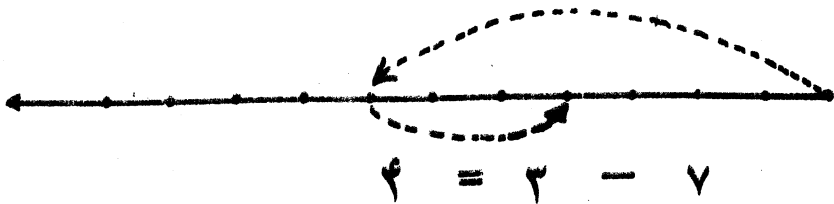


$$5 = 8 - 3$$



$$5 = 9 - 4$$





نوت :- مفروق منہ : عددیکہ از آن چیزی کم می شود.
مفروق : عددیکہ از مفروق منہ کم می شود.

طریقہ تفریق

اولاً ارقام مفروق را زیر ارقام مفروق منہ بہ اساس مرتبہ یعنی
 یکا را زیر یکا دہا را زیر دہا صد را زیر صد می نویسیم بعداً
 ہر رقم از مرتبہ ذریعہ از ارقام ہم مرتبہ مفروق منہ تفریق می کنیم .

$$\begin{array}{r} 254 \\ - 44 \\ \hline 210 \end{array}$$

(۲)

$$\begin{array}{r} 87 \\ - 65 \\ \hline 22 \end{array}$$

مثال (۱)

$$\begin{array}{r} 945 \\ - 823 \\ \hline 122 \end{array}$$

(۴)

$$\begin{array}{r} 265 \\ - 3 \\ \hline 262 \end{array}$$

(۲)

$$\begin{array}{r} 4357 \\ - 2214 \\ \hline 2143 \end{array}$$

اگر کدام رقم یکی از مفروق از رقم ہم مرتبہ مفروق منہ کلان باشد

از مرتبه بعدی طرف چپ یک را که (ده خد است) گرفته و بارقم مرتبه
 قبلی جمع میکنیم بعداً همان رقم هم مرتبه منفرود را از آن تفریق میکنیم
 این کار را تا آخر عملیه تفریق دوام میدیم مانند مثالهای ذیل .

$$\begin{array}{r}
 \textcircled{5} \quad \textcircled{11} \quad \textcircled{13} \\
 6 \quad 2 \quad 2 \\
 - \quad 2 \quad 5 \\
 \hline
 5 \quad 8 \quad 8
 \end{array}
 \quad (2)
 \qquad
 \begin{array}{r}
 \textcircled{5} \quad \textcircled{17} \\
 6 \quad 2 \\
 - 1 \quad 8 \\
 \hline
 4 \quad 4
 \end{array}
 \quad (1)$$

$$\begin{array}{r}
 \textcircled{7} \quad \textcircled{16} \quad \textcircled{17} \quad \textcircled{4} \quad \textcircled{14} \\
 8 \quad 7 \quad 8 \quad 5 \quad 4 \quad 2 \\
 - 6 \quad 7 \quad 8 \quad 9 \quad 5 \quad 1 \\
 \hline
 1 \quad 9 \quad 9 \quad 5 \quad 9 \quad 2
 \end{array}
 \quad (3)$$

$$\begin{array}{r}
 \textcircled{2} \quad \textcircled{9} \quad \textcircled{13} \quad \textcircled{17} \quad \textcircled{15} \quad \textcircled{15} \\
 3 \quad 0 \quad 4 \quad 8 \quad 6 \quad 5 \\
 - 2 \quad 8 \quad 6 \quad 9 \quad 9 \quad 8 \\
 \hline
 1 \quad 7 \quad 8 \quad 7 \quad 7
 \end{array}
 \quad (5)
 \qquad
 \begin{array}{r}
 \textcircled{2} \quad \textcircled{9} \quad \textcircled{9} \quad \textcircled{17} \\
 2 \quad 9 \quad 9 \quad 2 \\
 - 1 \quad 4 \quad 5 \quad 8 \\
 \hline
 1 \quad 5 \quad 4 \quad 4
 \end{array}
 \quad (4)$$

نوت: معلم صاحب شاگردانم را بفرمانند که درین بحث اعداد یک در دایره نوشته شده اند اعداد است
 که بعد از قرض نمودن و یا باقی قرض از چپ به راست تخیل برگزیده است و عدد یک، که از چپ
 به راست می آید اصلاً ۱۰۰ می باشد.

امتحان «میزان» عملیه تفریق

برای اینکه بفهمیم که آیا سوال تفریق را صحیح حل کرده ایم و یا غلط به
طریقه ذیل امتحان میکنیم.

۱۱. بواسطه جمع کردن :- حاصل تفریق را با مفروق جمع میکنیم

اگر حاصل جمع با مفروق منته مساوی گردد عملیه تفریق صحیح است.

	← ۱۳	امتحان	مفروق ۲۵	مثال ۱۱)
حاصل تفریق			- ۱۲	
مفروق	← ۱۲		—————	
	+		۱۳	
مفروق منته	← ۲۵			

$$\begin{array}{r} 412 \\ + 422 \\ \hline 834 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 834 \\ - 422 \\ \hline 412 \end{array} \quad (2)$$

$$\begin{array}{r} 2202 \\ + 6245 \\ \hline 8447 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 8447 \\ - 6245 \\ \hline 2202 \end{array} \quad (3)$$

$$\begin{array}{r}
 + 2677 \\
 4552 \\
 \hline
 7229
 \end{array}
 \quad
 \begin{array}{r}
 7229 \\
 - 4552 \\
 \hline
 2677
 \end{array}
 \quad
 \begin{array}{l}
 \text{امتحان} \\
 ۴۰
 \end{array}$$

تمرین

۱- اعداد ذیل را از هم دیگر تفریق نمایید

$$۱۹ \text{ خان} - ۶ \text{ خان} = ؟ \quad ۷۵ \text{ متر} - ۱۱ \text{ متر} = ؟$$

$$۷۵ \text{ خان} - ۴ \text{ خان} = ؟ \quad ۹۹ \text{ متر} - ۴۴ \text{ متر} = ؟$$

$$۹۵ \text{ خان} - ۹ \text{ خان} = ؟ \quad ۸۶ \text{ متر} - ۱۶ \text{ متر} = ؟$$

$$۱۲۷ \text{ تاک} - ۵۴ \text{ تاک} = ؟$$

$$۱۸۰ \text{ تاک} - ۶۰ \text{ تاک} = ؟$$

$$۷۷۶ \text{ تاک} - ۸۲ \text{ تاک} = ؟$$

۲۰. سوالات ذیل را حل نمایید و هم مغز خود را هم مغز خود را و حاصل تفریق را

$$\begin{array}{r}
 ۳۱۵ \\
 - ۲۱۴ \\
 \hline
 ۱۰۱
 \end{array}
 \quad
 \begin{array}{r}
 ۸۲۶ \\
 - ۳۲۶ \\
 \hline
 ۵۰۰
 \end{array}$$

۸۷۲۵۶ ۰۶ ۱۸۲۹۷۷۷۷

۰۶ ۱۷۱۸۲۷۷۷

۷۷۶۱۷ ۰۶ ۱۷۱۸۲۷۷۷

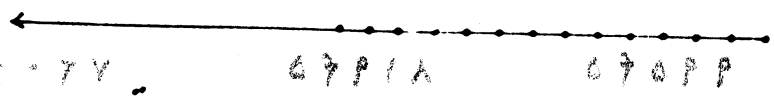
۰۶ ۱۷۱۸۲۷۷۷

-۲

الف: سوالات ذیل را حاصل نموده و شکل نشان دهید ۶۸۲۰

۲۷۵۶ - ۶۷۸۱۷ - ۶۸۰۶۱ -

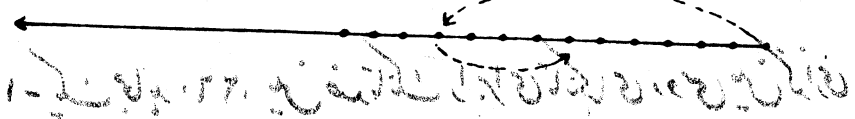
۳ = ۳ - ۸



ب: از روی شکل ذیل یک سوال تفریق بسازید و عمده تفریق را بنویسید

آن اجرا نمایید

۵ - ۵



سوالات ذیل را حاصل و امتحان نمایید

۲۵۶۶ ۹۲۲۵ ۷۱۲
۰۶ ۰۶ ۰۶
۱۰۱۳ ۵۲۲۸ ۵۲۲۸

$$\begin{array}{r} 96529 \\ - 82622 \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 52376 \\ - 23768 \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 49678 \\ - 31922 \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 63090 \\ - 15086 \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 76543 \\ - 21825 \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 71284 \\ - 2526 \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 99545 \\ - 49495 \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 81945 \\ - 51900 \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 72000 \\ - 45090 \\ \hline \end{array}$$

۵- سوالات عبارتی ذیل را حل کنید.

- ۱- یک مجاهد ۲۶۰ مین ضدتانک را برای تانکهای روسی مین گذاری نمود که از آن جمله ۱۸۰ مین تانکها را انفلاق داد بگوید چند دانه مین باقیمانده است ؟
- ۲- یک گروه مجادین بالای ۵۰۰ نفر عسکر روسی حمله نمودند از آن

جمله ۳۰۱، روسی بقل رسید بگویند چند نفر روسی فرار نموده است ؟

۳- خانه خالد از مدرسه (۲۹۱)، کیلومتر فاصله دارو از آن جمله ۵۰،

کیلومتر فاصله را طی نموده بگویند چند کیلومتر فاصله برایش باقی مانده ؟

۴- سال شمسی (۲۶۵)، روز و سال قمری (۳۵۴)، روز است معلوم

کنید که سال شمسی چند روز از سال قمری زیاد است ؟

۵- حضرت محمد صلی الله علیه و آله (۶۳)، سال عمر داشتند دوره پیغمبری شان (۲۳)،

سال بود معلوم کنید که در چند سالگی پیغمبری مبعوث گردیدند ؟

۶- حامد از (۳۰۱)، پاره قرآن کریم (۱۶۱)، پاره آن را خوانده است معلوم کنید

که چند پاره دیگر چشم قرآن کریم مانده است ؟

۷- یک گروه (۱۵۱)، نفری مجاهدین از یکطرف و گروه دیگر (۱۷۰)،

نفری از طرف دیگر بالای گروه (۱۰۰۰)، نفری خلق و پرچم حمل نمودند که از آن

جمله (۱۴۰)، نفر خلقی را زنده دستگیر و (۷۲۰)، نفر را بقتل رسانیدند معلوم نمایید

الف: تمام مجاهدین چند نفر بودند ؟ ب: چند نفر ملحدین گریخته اند ؟

فصل چهارم

ضرب:

تعریف :- ضرب در لغت زدن را گویند و در اصطلاح ریاضی کوتاه ترین طریقه جمع کردن اعداد مساوی را ضرب گویند.

$$\text{مثال اول : } 12 = 2 + 2 + 2 + 2 + 2 + 2$$

اگر به مثال بالا وقت نمایم ۲، شش دفعه با هم جمع شده که حاصل جمع آن ۱۲ شده است. که بطریقه کوتاه ضرب، چنین حل میشود.

$$12 = 2 \times 6$$

$$\text{مثال ۲، } 15 = 3 + 3 + 3 + 3 + 3$$

در ضرب مثال بالا را چنین می نویسیم.

مضروب	←	۳
مضروب	←	۵
<hr style="width: 50%; margin: auto;"/>		
مضرب	←	۱۵

مضروب	×	۳	یا	×	۵	=	۱۵
-------	---	---	----	---	---	---	----

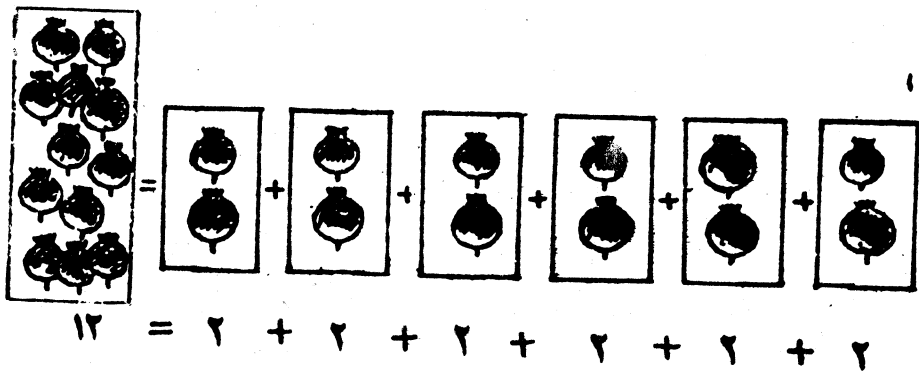
مثال (۳) $25 = 5 + 5 + 5 + 5 + 5$

مثال بالا را در ضرب چنین می نویسیم .

$$25 = 5 \times 5 \quad \text{یا} \quad \begin{array}{r} 5 \\ \times 5 \\ \hline 25 \end{array}$$

ضرب کردن از روی شکل

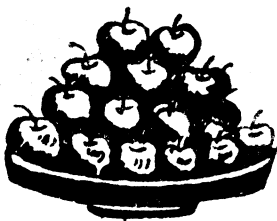
مثالهای بالا را از روی شکل چنین ضرب مینمایم .



در ضرب چنین می نویسیم .

$$\begin{array}{r} 2 \\ \times 6 \\ \hline 12 \end{array} \quad \text{یا} \quad 12 = 2 \times 6$$

۴۲

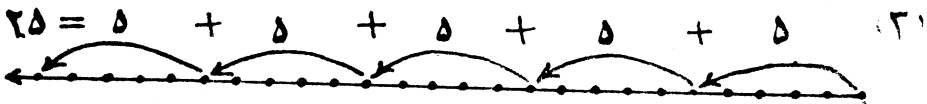


(۲)

$$15 = 3 + 3 + 3 + 3 + 3$$

$$\begin{array}{r} 3 \\ \times 5 \\ \hline 15 \end{array}$$

در ضرب چنین می نویسیم $15 = 3 \times 5$ یا



یا در ضرب چنین می نویسیم $25 = 5 \times 5$ یا $\begin{array}{r} 5 \\ \times 5 \\ \hline 25 \end{array}$

خواص ضرب

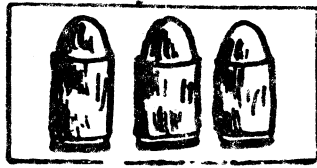
۱- خاصیت تبدیلی در ضرب:

اگر جابجایی مفروض و مضروب فیج در عملیه ضرب تبدیل گردد در حاصل ضرب کدام تغییری آید.

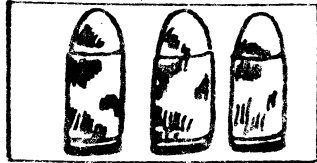
مثلاً $۱۲ = ۳ \times ۴$

$۱۲ = ۴ \times ۳$

مثال بالا را در شکل چنین نشان میدهم.



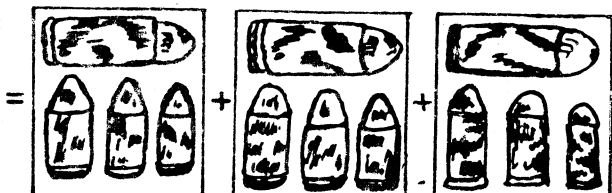
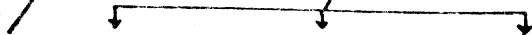
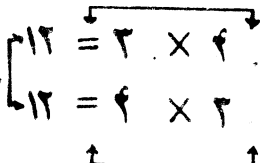
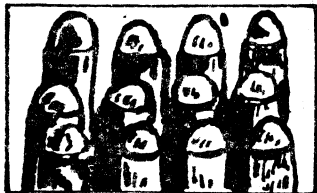
+



+



+



همینطور $۲۰ = ۴ \times ۵$

$۲۰ = ۵ \times ۴$... و غیره

۲ - ضرب نمودن (۱) یا یک عدد :

اگر ۱، با هر عدد ضرب گردد حاصل ضرب آن همان عدد میشود.

$$۳ = ۳ \times ۱$$

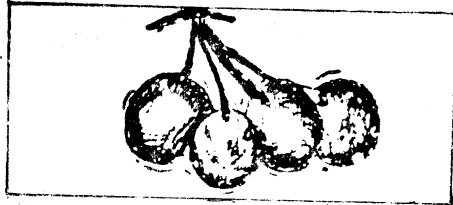
$$۴ = ۴ \times ۱$$

مثال :

$$۳ = ۳ \times ۱ \quad \text{یک ستامی}$$



$$۴ = ۴ \times ۱ \quad \text{یک چارامی}$$



$$۶ = ۶ \times ۱$$

$$۵ = ۵ \times ۱$$

بمینطور

$$\dots \text{و غیره} \quad ۶ = ۱ \times ۶$$

$$۵ = ۱ \times ۵$$

۳ - ضرب نمودن یک عدد در صفر و یا صفر در یک عدد :

اگر یک عدد در صفر ضرب گردد و یا صفر در یک عدد ضرب گردد

حاصل ضرب آن مساوی به صفر است.

مثلاً: $0 = 0 \times 3$ یا $0 = 3 \times 0$

مثال بالا در شکل چنین نشان داده می شود سه شتاب که بهیچ چیز در آن ها نیست در نظری می گیریم.



$0 = 0 + 0 + 0$

$0 = 0 \times 2$ یا

$0 = 2 \times 0$ یا

بهینطور:

$0 = 45 \times 0$

$0 = 8 \times 0$

$0 = 4 \times 0$

$0 = 0 \times 45$ یا

$0 = 0 \times 8$ یا

$0 = 0 \times 4$ یا

و غیره ...

ضرب زبانی

ضرب ۳

$$۳ = ۳ \times ۱$$

$$۶ = ۳ \times ۲$$

$$۹ = ۳ \times ۳$$

$$۱۲ = ۳ \times ۴$$

$$۱۵ = ۳ \times ۵$$

$$۱۸ = ۳ \times ۶$$

$$۲۱ = ۳ \times ۷$$

$$۲۴ = ۳ \times ۸$$

$$۲۷ = ۳ \times ۹$$

$$۳۰ = ۳ \times ۱۰$$

ضرب ۲

$$۲ = ۲ \times ۱$$

$$۴ = ۲ \times ۲$$

$$۶ = ۲ \times ۳$$

$$۸ = ۲ \times ۴$$

$$۱۰ = ۲ \times ۵$$

$$۱۲ = ۲ \times ۶$$

$$۱۴ = ۲ \times ۷$$

$$۱۶ = ۲ \times ۸$$

$$۱۸ = ۲ \times ۹$$

$$۲۰ = ۲ \times ۱۰$$

ضرب (۵)

$۵ = ۵ \times ۱$
$۱۰ = ۵ \times ۲$
$۱۵ = ۵ \times ۳$
$۲۰ = ۵ \times ۴$
$۲۵ = ۵ \times ۵$
$۳۰ = ۵ \times ۶$
$۳۵ = ۵ \times ۷$
$۴۰ = ۵ \times ۸$
$۴۵ = ۵ \times ۹$
$۵۰ = ۵ \times ۱۰$

ضرب (۴)

$۴ = ۴ \times ۱$
$۸ = ۴ \times ۲$
$۱۲ = ۴ \times ۳$
$۱۶ = ۴ \times ۴$
$۲۰ = ۴ \times ۵$
$۲۴ = ۴ \times ۶$
$۲۸ = ۴ \times ۷$
$۳۲ = ۴ \times ۸$
$۳۶ = ۴ \times ۹$
$۴۰ = ۴ \times ۱۰$

ضرب (۶)

$۶ = ۶ \times ۱$
$۱۲ = ۶ \times ۲$
$۱۸ = ۶ \times ۳$
$۲۴ = ۶ \times ۴$
$۳۰ = ۶ \times ۵$
$۳۶ = ۶ \times ۶$
$۴۲ = ۶ \times ۷$
$۴۸ = ۶ \times ۸$
$۵۴ = ۶ \times ۹$
$۶۰ = ۶ \times ۱۰$

ضرب (۸)

$$۸ = ۸ \times ۱$$

$$۱۶ = ۸ \times ۲$$

$$۲۴ = ۸ \times ۳$$

$$۳۲ = ۸ \times ۴$$

$$۴۰ = ۸ \times ۵$$

$$۴۸ = ۸ \times ۶$$

$$۵۶ = ۸ \times ۷$$

$$۶۴ = ۸ \times ۸$$

$$۷۲ = ۸ \times ۹$$

$$۸۰ = ۸ \times ۱۰$$

ضرب (۷)

$$۷ = ۷ \times ۱$$

$$۱۴ = ۷ \times ۲$$

$$۲۱ = ۷ \times ۳$$

$$۲۸ = ۷ \times ۴$$

$$۳۵ = ۷ \times ۵$$

$$۴۲ = ۷ \times ۶$$

$$۴۹ = ۷ \times ۷$$

$$۵۶ = ۷ \times ۸$$

$$۶۳ = ۷ \times ۹$$

$$۷۰ = ۷ \times ۱۰$$

ضرب (۱۰)

$$۱۰ = ۱۰ \times ۱$$

$$۲۰ = ۱۰ \times ۲$$

$$۳۰ = ۱۰ \times ۳$$

$$۴۰ = ۱۰ \times ۴$$

$$۵۰ = ۱۰ \times ۵$$

$$۶۰ = ۱۰ \times ۶$$

$$۷۰ = ۱۰ \times ۷$$

$$۸۰ = ۱۰ \times ۸$$

$$۹۰ = ۱۰ \times ۹$$

$$۱۰۰ = ۱۰ \times ۱۰$$

ضرب (۹)

$$۹ = ۹ \times ۱$$

$$۱۸ = ۹ \times ۲$$

$$۲۷ = ۹ \times ۳$$

$$۳۶ = ۹ \times ۴$$

$$۴۵ = ۹ \times ۵$$

$$۵۴ = ۹ \times ۶$$

$$۶۳ = ۹ \times ۷$$

$$۷۲ = ۹ \times ۸$$

$$۸۱ = ۹ \times ۹$$

$$۹۰ = ۹ \times ۱۰$$

جدول ضرب زبانی

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	×
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۲۰	۱۸	۱۶	۱۴	۱۲	۱۰	۸	۶	۴	۲
۳۰	۲۷	۲۴	۲۱	۱۸	۱۵	۱۲	۹	۶	۳
۴۰	۳۶	۳۲	۲۸	۲۴	۲۰	۱۶	۱۲	۸	۴
۵۰	۴۵	۴۰	۳۵	۳۰	۲۵	۲۰	۱۵	۱۰	۵
۶۰	۵۴	۴۸	۴۲	۳۶	۳۰	۲۴	۱۸	۱۲	۶
۷۰	۶۳	۵۶	۴۹	۴۲	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۷
۸۰	۷۲	۶۴	۵۶	۴۸	۴۰	۳۲	۲۴	۱۶	۸
۹۰	۸۱	۷۲	۶۳	۵۴	۴۵	۳۶	۲۷	۱۸	۹
۱۰۰	۹۰	۸۰	۷۰	۶۰	۵۰	۴۰	۳۰	۲۰	۱۰

طریقه ضرب کردن اعداد زیاد از یک رقمی

تشریح : مثال ۱۱

$$\begin{array}{r} 23 \\ \times 5 \\ \hline \end{array}$$

رقم یکهای مضروب یعنی ۵، رادر رقم یکهای مضروب فیه یعنی ۳، ضرب میکنیم که حاصل ضرب آن ۱۵ می شود. حال رقم یکهای عدد ۱۵، رادر زیر مرتبه یکها نوشته و رقم دههای عدد ۱۵ یعنی ۱، با حاصل ضرب رقم یکهای مضروب ۵، و رقم دههای مضروب فیه یعنی ۲، جمع نموده و حاصل آنرا که ۱۱ می شود در زیر مرتبه دههای نویسیم و می بینیم که در زیر خط فاصل، عدد ۵ حاصل می شود

که عبارت از عدد مطلوب یعنی حاصل ضرب ما است .

$$\begin{array}{r} 13 \\ 16 \\ \hline 78 \\ 130 \\ \hline 208 \end{array}$$

۱۲

تشریح : در این مثال نیز مانند مثال قبلی عمل میکنیم طوریکه رقم یکهای مضروب ۶، رادر رقم یکهای مضروب فیه ۳، ضرب میکنیم که حاصل ضرب آن ۱۸ می شود حال رقم یکهای عدد ۱۸ یعنی ۸ رادر زیر مرتبه یکها نوشته و رقم دهها

عدد (۱۸) یعنی (۱) را با حاصل ضرب رقم یکهای مضروب (۸) با رقم دههای مضروب
 جمع نموده و حاصل آنرا که (۱۷) می شود در زیر مرتبه دههای نویسیم در مرحله دوم
 رقم دههای مضروب یعنی (۱) را در رقم یکهای مضروب فیضی (۳) ضرب میکنیم و حاصل
 آنرا که (۳) است در زیر مرتبه دههای یعنی در زیر رقم (۷) می نویسیم بعد از رقم دههای
 مضروب یعنی (۱) را در رقم دههای مضروب فیضی ضرب نموده و حاصل آنرا در زیر مرتبه
 صد یعنی در پهلوی چپ رقم (۳) می نویسیم حال حاصل ضرب های مرحله اول و مرحله دوم
 را زیر به زیر با هم جمع میکنیم می بینیم که عدد (۲۰۸) حاصل می شود که عبارت از حاصل ضرب

$$\begin{array}{r} ۱۰ \\ ۵۲ \\ \hline ۲۴۲ \\ ۲۰۵ \\ \hline ۴۲۹۲ \end{array}$$

$$\begin{array}{r} ۲۵ \\ \times ۲۴ \\ \hline ۱۰۰ \\ ۱۹۵ \\ \hline ۲۲۰۰ \end{array}$$

مطلوب ما است .
 مثال (۳)

تبصره :- اعداد یک رقمی و دو رقمی مضروب با ۱۰ در وقت ضرب کردن رقم
 غیر صفری را با هم ضرب نموده بعد ابتدا صفرهای رقم و مضروب و
 مضروب فی بطرف راست حاصل ضرب صفرها را میگذاریم . مثلاً :
 $۱۰۰ = ۵ \times ۲۰$ زیرا $۱۰ = ۵ \times ۲$ (ضرب رقم غیر صفر
 و بعد همیشه روی ۱۰۰) [حاصل ضرب (صفر ۲۰) که مانده نوشت
 شده و (۱۰۰) (حاصل ضرب ۵×۲۰) بدست آمده .
 ۵۳

امتحان عملیه ضرب

برای اینکه بصیح بودن عملیه ضرب اطمینان حاصل شود از روی خاصیت ضرب جا های عوامل ضربی را تبدیل نمایم .
 بعداً از قاعده ضرب استفاده میکنیم اگر هر دو دفعه حاصل عملیه ضرب با هم مساوی شدند عمل ضرب درست است .

مثال (۱۱)

۹	۹	←	۹	
× ۴	× ۴	←	× ۴	
۳۶		↔	۳۶	
بایم مساوی اند				

در مثال بالا دیده میشود که حاصل ضرب در هر دو صورت با هم مساوی است پس گفته می توانیم که عملیه ضرب درست است .

امتحان	ضرب
۱۳	۴۹
× ۴۹	× ۱۳
۱۱۷	۱۴۷
۵۲	۴۹
۶۳۷	۶۳۷

باید مساوی اند

مثال ۲۰.

تمرین:

۱۰. در خانه های خالی ذیل اعداد مناسب بنویسید.

۲۴ = <input type="text"/> × ۳	۶۳ = <input type="text"/> × ۷
۷۰ = <input type="text"/> × ۷	۶۳ = <input type="text"/> × ۷
۳۶ = <input type="text"/> × ۶	<input type="text"/> = ۷ × ۱
۹۰ = <input type="text"/> × <input type="text"/>	۶۴ = <input type="text"/> × ۸
۵۶ = <input type="text"/> × <input type="text"/>	۷۲ = <input type="text"/> × ۹
۱۲ = ۴ × <input type="text"/>	

۲۴ = <input type="text"/> × ۳	۶۳ = <input type="text"/> × ۷
۷۰ = <input type="text"/> × ۷	<input type="text"/> = ۷ × ۱
۳۶ = <input type="text"/> × ۶	۶۴ = <input type="text"/> × ۸
۹۰ = <input type="text"/> × <input type="text"/>	۷۲ = <input type="text"/> × ۹
۵۶ = <input type="text"/> × <input type="text"/>	
۱۲ = ۴ × <input type="text"/>	

$$۱۶ = ۴ \times \square$$

$$۳۰ = ۶ \times \square$$

$$۳۵ = \square \times ۵$$

$$۴۸ = \square \times ۸$$

۲ :- بر سوالات ذیل جوابات ذهنی بدهید.

$$؟ = ۴ \times ۸$$

$$؟ = ۸ \times ۴$$

$$؟ = ۴ \times ۹$$

$$۳۶ = ؟ \times ۴$$

$$؟ = ۵ \times ۸$$

$$؟ = ۸ \times ۵$$

$$؟ = ۱ \times ۹$$

$$؟ = ۴ \times ۷$$

$$؟ = ۷ \times ۴$$

$$؟ = ۱ \times ۱۰$$

$$؟ = ۱ \times ۲۵$$

$$؟ = ۵ \times ۱$$

$$۲۴ = ؟ \times ۴$$

$$؟ = ۷ \times ۱$$

$$؟ = ۹ \times ۱$$

$$؟ = ۱۶ \times ۱$$

$$؟ = ۴۵ \times ۱$$

$$؟ = ۶ \times ۵$$

$$؟ = ۵ \times ۶$$

$$؟ = ۵ \times ۹$$

$$؟ = ۹ \times ۵$$

$$۴۵ = ؟ \times ۹$$

$$؟ = ۵ \times ۱۰$$

$$؟ = ۱۰ \times ۵$$

$$؟ = ۷ \times ۵$$

$$؟ = ۶ \times ۷$$

$$؟ = ۰ \times ۱$$

$$؟ = ۰ \times ۸$$

$$؟ = ۷ \times ۰$$

$$؟ = ۱ \times ۰$$

$$؟ = ۰ \times ۱۳$$

$$؟ = ۰ \times ۴$$

$$؟ = ۰ \times ۹$$

$$؟ = ۸ \times ۰$$

$$؟ = ۰ \times ۵$$

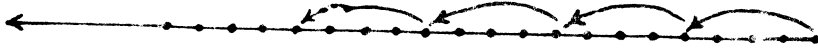
$$؟ = ۰ \times ۱۰$$

$$؟ = ۰ \times ۱۵$$

$$؟ = ۲ \times ۱$$

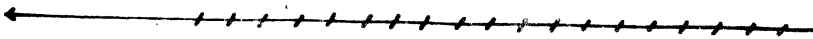
$$؟ = ۵ \times ۱$$

۳۰ الف: از روی شکل ذیل یک سوال ضرب بنویسید و عملیه ضرب را بالائی آن اجرا نمایید.



ب: سوال ذیل را ضرب نمایید و در شکل نشان دهید.

$$6 \times 2 = ?$$



۴۰ سوالات ذیل را محل اتمام کنید و هم مضروب و مضروب فی را در آن نشان دهید.

$$\begin{array}{r} 95 \\ \times 27 \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 87 \\ \times 52 \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 63 \\ \times 25 \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 31 \\ \times 22 \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 245 \\ \times 216 \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 221 \\ \times 14 \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 99 \\ \times 99 \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 80 \\ \times 40 \\ \hline \end{array}$$

۱۷۲
× ۲۱

۱۰۷
× ۷۲

۶۴۲
× ۲۶۱

۳۵۶
× ۴۵

۵. سوالات عبارتی ذیل را حل کنید.

۱- اگر شخصی یک مرتبه درود شریف بخواند ده مرتبه شامل ثواب میشود اگر شخص مذکور ده مرتبه درود بخواند چند مرتبه شامل ثواب خواهد شد.

۲- در یک شب ماه مبارک رمضان، وقت نماز خفتن، ۲۰ رکعت نماز تراویح اجرا

میکردد، در (۳۰) شب مبارک رمضان چند رکعت نماز تراویح خوانده میشود؟

۳- اگر برای هر یک از ۱۰۱۲۱ نفر مسکین (۱۰، ۱۰، ۱۰) افغانی

زکات داده شود تماماً چند افغانی می شود؟

۴- مضمون حدیث شریف است، اگر یک شخص با داشتن وضو
قرآن کریم را تلاوت نماید در مقابل یک حرف آن ۱۰۰ نیکی به وی
داده میشود اگر یک شخص ۹۹ حرف قرآن کریم را تلاوت کند در
مقابل آن چند نیکی از طرف خداوند جل جلاله برایش داده خواهد شد؟
۵- ۷۰، صدوق مرمی است، که هر صدوق آن ۵۰۰ گفته در
هر گفته آن ۱۰۰۰ غیر مرمی می باشد تعداد مرمی ها را معلوم کنید؟

۶- حامد در یک روز ۱۱۰ آیت قرآن کریم را ترجمه میکند در
۶۶۰ روز چند آیت قرآن کریم را ترجمه خواهد کرد؟

۷- اگر یک جلد کتاب به ۲۰۰ افغانی چاپ گردد ۵۰۰۰ جلد کتاب
را به چند افغانی چاپ خواهیم کرد؟

۸- یک ساعت ۶۰ دقیقه و یک دقیقه ۶۰ ثانیه می شود
معلوم کنید که یک ساعت چند ثانیه می شود؟

۹- نمبر سابقہ میٹر برق خانہ فاروق، ۲۵۹۴۶، کیلووات بود،
 باگذشت یک ماہ نمبر فعلی اش، ۲۶۸۵۶، کیلووات است.
 اگر مصرف ہر ماہ ثابت باشد مصرف ۸۱، ماہہ آنرا بہ کیلووات معلوم
 کنیید.

فصل پنجم

تقسیم :

تعریف :- یک شے را بہ چند حصہ مساوی قسمت نمودن عبارت
 از تقسیم است .

در تقسیم نمودن یک شے بالا ی شے دیگر از روی قاعدہ ضرب فکر میکنیم
 کہ شے دوم در شے اول چند بار شامل است .
 مثال اول :- (۱۲) دانہ انار را بالا ی سه نفر چہن تقسیم میکنیم .

حل: اگر به ضرب زبانی ۳۰ متوجه شویم دیده میشود که $(۱۲ = ۴ \times ۳)$ میشود یعنی ۳۰ در ۱۲، چهار بار شامل است پس می نویسیم که

$$(۴ = ۳ \div ۱۲)$$

در مثال بالا (۱۲) را مقسوم، (۳) را مقسوم علیه و (۴) را خارج قسمت گویند.



نوت: محرم معلم صاحب مفهوم مقسوم، مقسوم علیه، خارج قسمت و عدد باقی را به شاگردانش واضح سازد.

مثال (۲۱)، ۲۴ دانه قلم را به شش ست مساوی تقسیم نمایید.
 از روی عملیه ضرب چنین می نویسیم $۶ \times ۴ = ۲۴$ یعنی در
 ۲۴ دانه قلم شش ست چهار دانه می شامل است.
 پس می نویسیم که $۲۴ \div ۶ = ۴$ معلوم شد که در هر
 ست چهار قلم بوده است.

مثال (۳۱)، (۲۰) دانه سیب را بالای (۴) نفر تقسیم میکنیم.
 حل: اگر به ضرب زبانی (۴) متوجه شویم دیده میشود که $(۲۰ = ۵ \times ۴)$
 یعنی در (۲۰) دانه سیب (۴) پنج دانه می شامل است پس می نویسیم
 که: $(۲۰ \div ۴ = ۵)$
 (۲۰) را مقسوم، (۴) را مقسوم علیه و (۵) را خارج قیمت گویند.

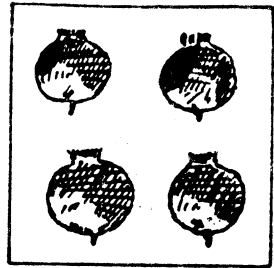
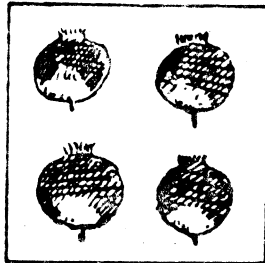
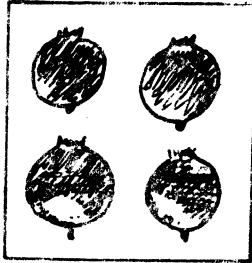
تقسیم کردن از روی اشکال

مثال ۱۱) ۱۲ دانه انار به سه ست مساوی چینی تقسیم میشوند.

(۳)

(۲)

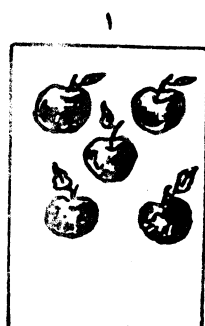
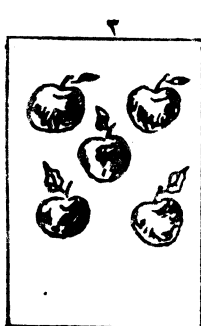
(۱)



در شکل بالا (۱۲)، دانه انار در سه ست مساوی تقسیم شده که به هر

ست ۴، دانه انار رسیده پس می نویسیم که $(۴ = ۳ \div ۱۲)$.

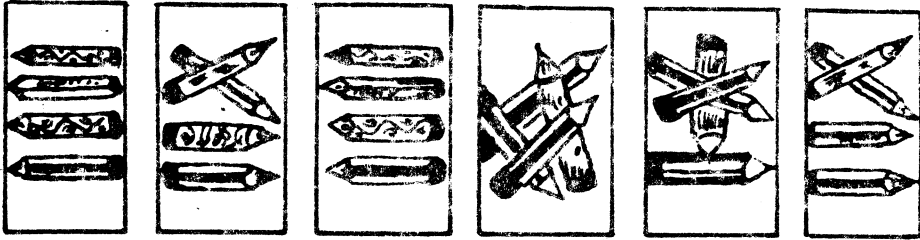
مثال ۱۲) ۲۰ دانه سیب را به ۴ ست چینی تقسیم میکنیم.



(۲۰) دانه سیب را به ۴ دست مساوی تقسیم نمودیم، به هر دست پنج دانه سیب رسیده است پس می نویسیم که:

$$5 = 4 \div 20$$

شال ۱۳۱، دانه قلم را به شش دست مساوی چنین تقسیم میکنیم.



۲۴ دانه قلم را به شش دست تقسیم نمودیم به هر دست ۴ دانه قلم رسید پس می نویسیم که:

$$4 = 6 \div 24$$

طریقه تقسیم کردن

اول بطرف چپ علامه تقسیم عدد مقوم و در حده بالا طرف راست عدد مقوم علیه را می نویسیم بعداً رقم آخر طرف چپ مقوم را با

مقوم علیه چنین تعاینه میکنیم که ؛ مقوم علیه چند دفعه درین تم شامل
 است . اگر این رقم مقوم از مقوم علیه کوچک باشد از طرف
 راست یک یا چند رقم دیگر را با رقم طرف چپ یکجا در نظر
 می گیریم تا وقتی که با مقوم علیه مساوی و یا از آن اضافه شود . بعد از
 آن می بینیم که هر چند دفعه مقوم علیه در مقوم شامل بود همان عدد
 خارج قسمت است و در حصه پایان طرف راست علامه تقسیم می نویسیم
 و با مقوم علیه ضرب می نمایم حاصل ضرب را پایان ارقام آخر معین
 شده مقوم به ترتیب ارقام می نویسیم و از آن تفریق میکنیم از
 ارقام باقی مانده مقوم یک رقم را با حاصل تفریق پایان می کنیم .
 اگر با پایان نمودن یک رقم باز هم مقوم از مقوم علیه خورد
 باشد درین صورت خارج قسمت صفر است . و صفر را بالا میکنیم این
 کار را تا وقتی ادامه میدهم تا تمام ارقام مقوم تقسیم شوند و باقی مانده

از مقسوم علیه خورد یا صفر شود.

مثال ۱۱

$$\begin{array}{r|l} 574 & 8 \leftarrow \text{مقسوم علیه} \\ 56 & 71 \leftarrow \text{خارج قسمت} \\ \hline 14 & \\ & 8 \\ & \hline & 6 \end{array}$$

مقسوم \rightarrow ۵۷۴

باقی \rightarrow ۶

$$\begin{array}{r|l} 450 & 5 \\ 45 & 90 \\ \hline . & \end{array}$$

(۳)

$$\begin{array}{r|l} 682 & 11 \\ 66 & 62 \\ \hline 22 & \\ 22 & \\ \hline . & \end{array}$$

(۲)

مقسوم علیه

$$\begin{array}{r|l} 88 & 10 \text{ خارج قسمت} \\ 882 & \leftarrow \text{مقسوم (۱۵)} \\ 88 & \\ \hline 2 & \text{باقی} \end{array}$$

$$\begin{array}{r|l} 630 & 6 \\ 6 & 105 \\ \hline 30 & \\ 30 & \\ \hline x & \end{array}$$

(۴)

معلم صحیح باید سوالات دیگر تقسیم را نیز به شاکر دانشم حل نماید.

امتحان عملیه تقسیم

فاج قسمت و مقسوم علیه را با هم ضرب نموده باقیانده را با حاصل ضرب جمع میکنیم اگر عدد حاصل شده با مقسوم مساوی شد عملیه تقسیم صحیح و اگر مساوی نشد غلط است.

$$\begin{array}{r}
 \text{فاج قسمت} \rightarrow 47 \\
 \text{مقسوم علیه} \rightarrow \times 22 \\
 \hline
 94 \\
 47 \\
 \hline
 564 \\
 \text{ماصل ضرب} \rightarrow \\
 \text{باقیانده} \rightarrow + 4 \\
 \hline
 568
 \end{array}$$

$$\begin{array}{r}
 568 \quad | \quad 12 \\
 48 \quad | \quad 47 \\
 \hline
 88 \\
 84 \\
 \hline
 4
 \end{array}$$

مثال،

عدد فوق با مقسوم مساوی است پس گفته می توانیم که عملیه تقسیم صحیح است.

محترم معلم صاحب سوالات دیگر راجع تقسیم نیز به شاگردان حل و امتحان نماید.

تمرین :

۱- سوالات ذیل را با استفاده از قاعده ضرب حل کنید.

$$? = 2 \div 20$$

$$? = 4 \div 32$$

$$? = 3 \div 27$$

$$? = 4 \div 48$$

$$? = 4 \div 36$$

$$? = 5 \div 25$$

$$? = 5 \div 25$$

$$21 = 7 \times 3$$

$$32 = 8 \times 4$$

$$27 = 9 \times 3$$

$$28 = 4 \times 7$$

$$36 = 4 \times 9$$

$$35 = 5 \times 7$$

$$25 = 5 \times 5$$

$$? = 5 \div 50$$

$$? = 5 \div 45$$

$$? = 7 \div 49$$

$$? = 2 \div 27$$

$$? = 3 \div 30$$

$$? = 4 \div 36$$

$$? = 8 \div 56$$

$$50 = 10 \times 5$$

$$45 = 5 \times 9$$

$$49 = 7 \times 7$$

$$27 = 3 \times 9$$

$$30 = 10 \times 3$$

$$36 = 4 \times 9$$

$$56 = 8 \times 7$$

۲- سوالات تقسیم ذیل را حل نموده باقیمانده را نشان دهید.

$$؟ = ۱۳ \div ۲ \quad ؟ = \text{باقی}$$

$$؟ = ۱۷ \div ۲ \quad ؟ = \text{باقی}$$

$$؟ = ۱۹ \div ۳ \quad ؟ = \text{باقی}$$

$$؟ = ۱۵ \div ۴ \quad ؟ = \text{باقی}$$

$$؟ = ۲۸ \div ۴ \quad ؟ = \text{باقی}$$

$$؟ = ۴۸ \div ۵ \quad ؟ = \text{باقی}$$

$$؟ = ۵۶ \div ۶ \quad ؟ = \text{باقی}$$

$$؟ = ۷۰ \div ۸ \quad ؟ = \text{باقی}$$

$$؟ = ۷۵ \div ۹ \quad ؟ = \text{باقی}$$

$$؟ = ۸۹ \div ۹ \quad ؟ = \text{باقی}$$

۳- جاهای خالی سوالات ذیل را پر نمایید.

$$۹ = \square \div ۲۷$$

$$۸ = ۴ \div \square$$

$$۳ = \square \div ۲۷$$

$$۴ = \square \div ۱۶$$

$$۵ = ۳ \div \square$$

$$۴ = \square \div ۲۰$$

$$8 = \square \div 64$$

$$7 = 5 \div \square$$

$$6 = \square \div 36$$

$$6 = 3 \div \square$$

$$\square = 8 \div 48$$

$$9 = \square \div 45$$

۴ - سوالات ذیل را حاصل و امتحان کنید.

$$? = 5 \div 296$$

$$? = 4 \div 448$$

$$? = 9 \div 666$$

$$? = 4 \div 976$$

$$? = 6 \div 621$$

$$? = 3 \div 862$$

$$? = 12 \div 3486$$

$$? = 14 \div 4578$$

$$? = 16 \div 5694$$

$$? = 2 \div 224$$

$$? = 3 \div 202$$

$$? = 3 \div 369$$

$$? = 5 \div 825$$

$$? = 4 \div 764$$

$$? = 7 \div 771$$

$$? = 9 \div 279$$

$$? = 8 \div 744$$

$$? = 7 \div 509$$

سوالات عبارتی ذیل را حل نمایید .

- ۱- اگر یک شخص در هر ماه پنج روز روزه نعلی بگیرد بگویند (۷۵) روز روزه را در چند ماه خواهد گرفت ؟
- ۲- عشره سیر گندم یک سیر میشود بگویند که (۲۲۵۰) سیر گندم چند سیر عشر داده میشود ؟
- ۳- نماز تهجد یک شخص هر شب (۱۷۰) دقیقه را در بر میگردد بگویند که در (۹۱) دقیقه چند شب نماز تهجد را ادا خواهد کرد ؟
- ۴- یک مسجد شریف کنجایش (۲۷۰) نفر نماز گذار را دارد بگویند که در آن مسجد شریف چند صف (۳۰) نفری استاده شده میتواند ؟
- ۵- یک گروه (۲۰) نفری مجاهدین در یک حمله تعدادی از روس ها ، پرچی ها و خلق ها را کشتند و (۵۰۰۰۰) افغانی را بطور غنیمت بدست آوردند بعد از آن که خمس (پنجم حصه) آن را به

بیت المال تسلیم کردند (۴۰۰۰۰۰) افغانی برای شان باقیمانده بگویند
که به هر مجاهد چند افغانی غنیمت خواهد رسید؟

۶- در یک گاو قربانی ۷۱ نفر شریک شده می تواند برای (۷۷) نفر چند گاو قربانی لازم است؟

۷- ۷ نفر در قربانی یک شتر شریک هستند آنها شتر را به
(۲۸۰۰۰۰) افغانی خریدند معلوم کنید که حصه هر نفر چند افغانی میشود؟

۸- از یک نفر (۱۰۰) جریب زمین برای یک پسر و یک
دختر به میراث مانده است در حالیکه حصه یک پسر برابر حصه دو خواهر
است حصه پسر و دختر را معلوم کنید؟

۹- نماز جمعہ مبارک (۱۲۰) رکعت است بگویند که چند
نماز جمعہ (۶۴۸۱) رکعت میشود؟

۱۰- هفت روز یک هفته میشود (۳۶۵) روز چند هفته خواهند؟

۱۱- یک نمازگذار در (۳۶۵) شب و روز (۱۸۲۵) وقت نماز فرض خوانده است معلوم کنید که در یک شب و روز چند وقت نماز خوانده خواهد شد؟

۱۲- در تمام رکعت های نماز پیشین (۹۰) دفعه تسبیح خوانده میشود بگوئید که (۴۵۰) تسبیح در چند نماز پیشین خوانده خواهد شد؟

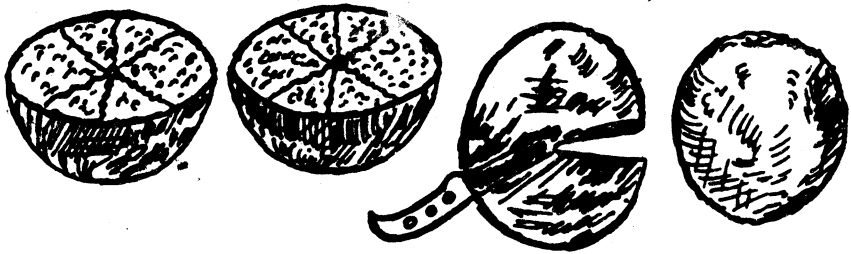


فصل ششم

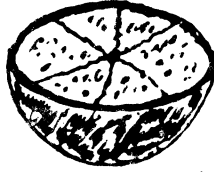
کسر

تعریف؛
کسر در لغت شکستادن را گویند و در اصطلاح ریاضی تقسیم نمودن
یک شیء به چند حصه مساوی و گرفتن یک یا چند حصه آنرا
کسر گویند مثل .

۱- یک نارنج را به دو حصه تقسیم میکنیم .



می بینیم که نارنج به دو حصه مساوی تقسیم شده است .



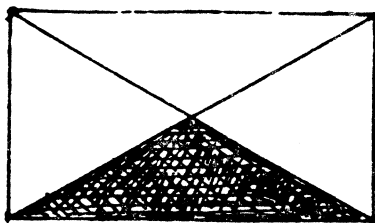
شکل بالا از دو حه مساوی یک حه را نشان میدهد که آن را
یک بر دو حه ششی مذکور گویند ، و یک بر دو این طور نوشته
یشود $\frac{1}{2}$



شکل مقابل بر چند حه مساوی
تقسیم شده است؟ و چند حه آن
سیاه گردیده است؟

گفته میتوانیم از سه حه مساوی یک حه آن سیاه شده است.
از سه حه مساوی یک ششی یک حه آن را یک بر سه آن چیزی
میگویند و یک بر سه این طور نوشته میشود. $\frac{1}{3}$

سیاه شده است و یا $\frac{1}{4}$ حصه آن سیاه شده است.
 همینطور در اشکال پایین حصه های سیاه این قسم نشان داده میشود:



از چار حصه مساوی یک حصه آن
 سیاه شده است و یا $\frac{1}{4}$ حصه
 آن سیاه شده است.

درین جا از دو حصه مساوی یک حصه آن گرفته شده و یا $\frac{1}{2}$

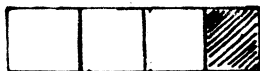


حصه آن گرفته شده است.



ازین شکل $\frac{1}{5}$ حصه آن سیاه
 شده است.

۶- در اشکال پایین ببینید که :



۱ : از چار حصه مساوی یک حصه یا $\frac{1}{4}$
 آن سیاه شده است.



۲ : از چار حصه مساوی دو حصه یا $(\frac{2}{4})$
آن سیاه شده است .



۳ : از چار حصه مساوی سه حصه یا $(\frac{3}{4})$
آن سیاه شده است .

$\frac{2}{4}$ ، $\frac{3}{4}$ ، هم مثل $\frac{1}{2}$ ، $\frac{1}{3}$ ، $\frac{1}{4}$ و $\frac{1}{5}$ کسرها است .



۱- از پنج حصه مساوی یک حصه $(\frac{1}{5})$ ←



۲- از پنج حصه مساوی دو حصه $(\frac{2}{5})$ ←



۳- از پنج حصه مساوی سه حصه $(\frac{3}{5})$ ←



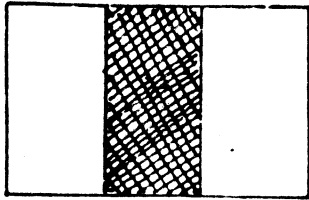
۴- از پنج حصه مساوی چار حصه $(\frac{4}{5})$ ←

$\frac{2}{5}$ ، $\frac{3}{5}$ و $\frac{4}{5}$ هم کسرها است .

خطیکه در بین دو عدد رسم می شود بنام خط کسری یاد می گردد عدد بالای خط کسری را صورت و عدد پایین را مخرج می گویند مثلاً اگر $\frac{1}{4}$

$$\begin{array}{l} \text{صورت} \longrightarrow \\ \text{خط کسری} \longrightarrow \\ \text{مخرج} \longrightarrow \end{array} \frac{1}{2}$$

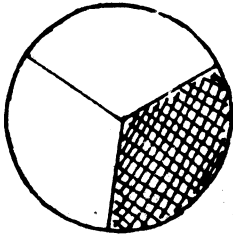
۱. اشکال پایین را در نظر بگیرید و جاهای خالی آن را پر کنید.



① این شکل چند قسمت تقسیم شده است.

ازین شکل حصه آن سیاه شده است.

ازین شکل حصه آن سفید است.

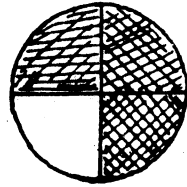
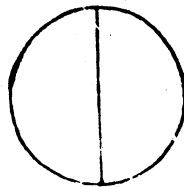
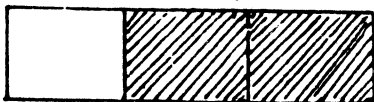
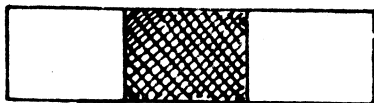


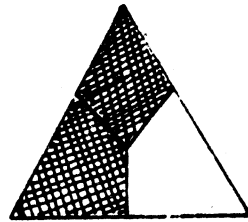
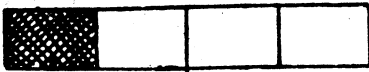
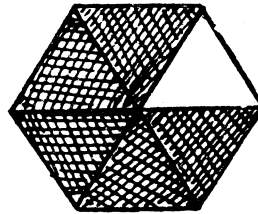
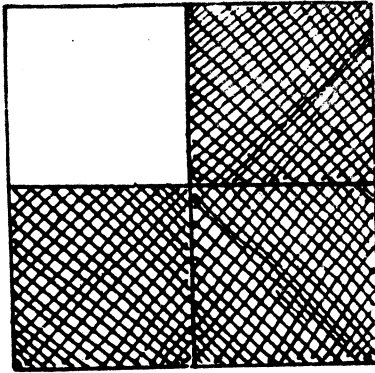
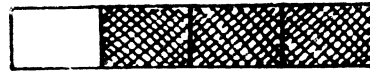
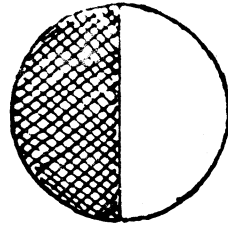
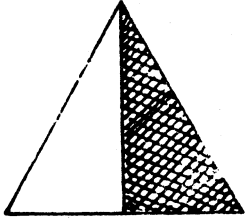
این شکل حصه مساوی تقسیم شده است.

..... حصه این شکل سیاه شده است.

..... حصه این شکل سفید مانده است.

۲- حصه های سیاه شده اشکال پایین چند حصه آن می باشد بواسطه کسر نشان دهید و هم صورت مخرج هر کسر و خط کسری آن را نشان دهید.





محترم معلم صاحب برای شاگردانم وظیفه بدید که از روی رنگ آمیزی و قطع کردن
کاغذ با کسر های بالا را نشان دهند

فصل هفتم

مقیاسات و اشکال هندسی

۱- مقیاسات :

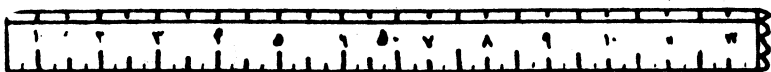
برای اندازه کردن هر چیز بیک واحد پیمانانه ضرورت داریم. مثل آب شیر، تیل و مایعات دیگر به واسطه لیتر. غله، میوه جات، پنبه، گوشت و غیره بواسطه گرام تک و فاصله ذریعاً متر اندازه می شود. لیتر، گرام، متر و واحدهای دیگر که بواسطه آن هر چیز اندازه می گردد مقیاس آن چیز گفته می شود.

مقیاسات اقسام زیاد دارد.

ما تنها مقیاسات طول، کتد و حجم را که در زندگی روزمره به آن احتیاج داریم مطالعه میکنیم.

الف: واحد مقیاس طول ۸۱

واحد اندازه کردن طول متر است .



اجزاء و اضعاف متر

اجزاء متر :

۱۰ دسی متر = یک متر

۱۰۰ سانتی متر = یک متر

۱۰۰۰ میلی متر = یک متر

اضعاف متر :-

۱۰ متر = یک دیکامتر

۱۰۰ متر = یک هکتومتر

۱۰۰۰ متر = یک کیلومتر

ب : واحد تعیاس کتد :

واحد اندازه کردن کتد گرام نامیده می شود .

اجزاء گرام

۱۰ دسی گرام = یک گرام

۱۰۰ سانتی گرام = یک گرام

۱۰۰۰ ملی گرام = یک گرام

اضعاف گرام

۱۰ گرام = یک دیکا گرام

۱۰۰ گرام = یک هکتو گرام

۱۰۰۰ گرام = یک کیلو گرام

ج :- واحد مقیاس حجم

واحد قیاسی حجم متر مکعب است. اما در حیات روزمره برای اندازه کردن حجم مایعات از لیتر استفاده میکنند که معادل به کلمه یک کیلو گرام آب خالص (آب مقطر) می باشد.

لیتر یک ظرف درج دار است که برای اندازه کردن مایعات بکار می آید

اجزاء لیتر

۱۰ دسی لیتر = یک لیتر

۱۰۰ سانتی لیتر = یک لیتر

۱۰۰۰ ملی لیتر = یک لیتر

اضعاف لیتر

۱۰ لیتر = یک دیکا لیتر

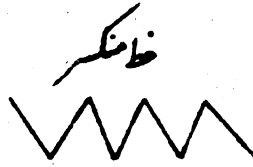
۱۰۰ لیتر = یک هکتو لیتر

۱۰۰۰ لیتر = یک کیلو لیتر

۲- اشکال هندسی

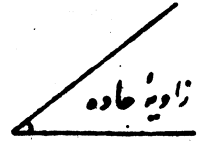
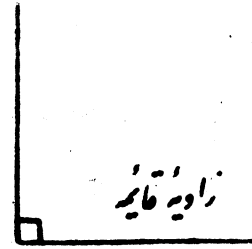
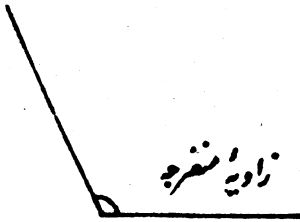
اقسام خط :-

خط منحنی

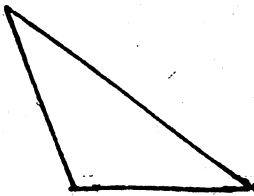


خط مستقیم

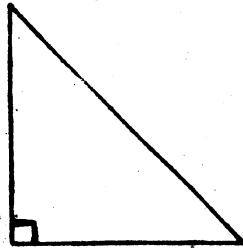
اقسام زاویه :-



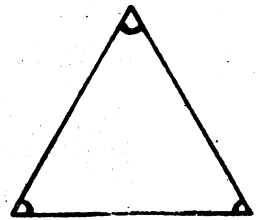
اقسام مثلث :- مثلث از روی زوایا بر سه قسم است .



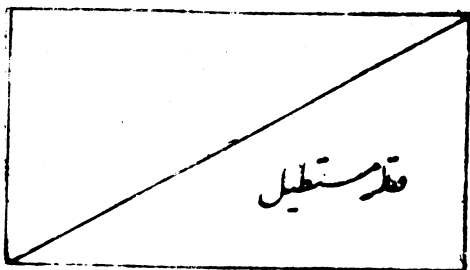
مثلث منفرجه الزاویه



مثلث قائم الزاویه



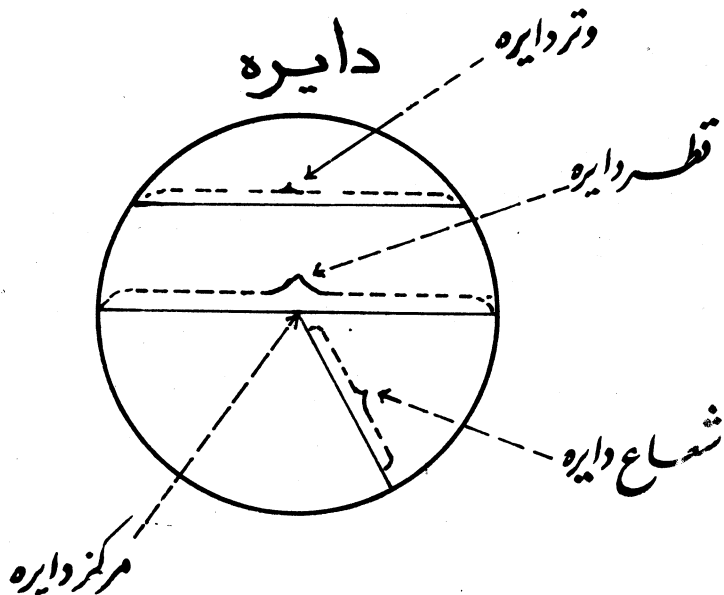
مثلث حاده الزاویه



مستطیل



مربع



مترجم معلم صاحب نمونه اشکال هندسی را با استفاده از مواد محیطی برای شاگردان
معرف نماید.

اهداف نصاب تعلیمی اداره مرکز تعلیمی افغانستان !

هدف عمومی : توحید نمودن نصاب تعلیمی تمام تنظیم های جهادی و بوجود آوردن تعلیم و تربیه خاص و جامع اسلامی که ضد هر نوع باطل پرستی و بدعت باشد و همچنین استحکام بخش مفاهیم و قوانین کلی اسلامی در جامعه اسلامی افغانستان باشد .

هدف خصوصی :- نصابیست که درس توحید و وحدانیت را به سپاهیان اسلام و رهروان راه حقیقت داده تا متمسک سنن و قوانین عالی و معقول شرع انور شود و ایم و تقایم گردند .
این نصاب متضمن آسایش و سواد اسلامی با در نظر داشت و جایب و شرایط جهادی ، فلسفی ، اقتصادی ، فرهنگی ، تخنیکی ، مدنی و معیشتی بوده که در عین حال مثل پیوند و اتصالات ناگسستی با جهان اسلام و مبین فلسفه مقدس اسلام عزیز می باشد .

هدف نهائی :- اعلاى كلمه الله ، نشان دادن عظمت و شان اسلام به جهانیان ، اضمحلال کمونیزم در افغانستان و جهان و مبارزه با طاغوطیان زمان بر اساس مبانی و اصول قوانین قرآن عظیم الشان ، شریعت غرای مهدی و فقه حنیف حنفی در راه حصول رضای خداوند هدف

نهائی این نصاب تعلیمی می باشد .
وَمِنَ اللّٰهِ التَّوْفِیْقُ